



پایہ مجھ پر

ابو سجاد اسحاق



ایسا ممبر بنجانی



ملفوظات مولانا محمد رفیع الرحمن صاحب

سرشناسه: اسحاقی، ابوسجاد،
عنوان و نام پدید آور: با پیامبر مهربانی / ابوسجاد اسحاقی.
مشخصات نشر: تهران: مشعر، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۲۱۶ ص
شابک: 8 - 190 - 540 - 964 - 978

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

یادداشت: کتابنامه: ص [۲۱۳] - ۲۱۵؛ همچنین به صورت زیرنویس
موضوع: محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. - احادیث
رده‌بندی کنگره: ۲۱۳۸۸ ب ۴۶ الف ۵ / ۱۴۲ BP

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۲۱۸

شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۶۳۰۰۴

با پیامبر مهربانی

تألیف:	ابوسجاد اسحاقی
حروفچینی:	مرکز تحقیقات حج
ناشر:	نشر مشعر
نوبت چاپ:	۱ - تابستان ۱۳۸۸
چاپ و صحافی:	مشعر
شمارگان:	۲۰,۰۰۰ نسخه
بها:	۱۰۰۰ تومان

شابک: 8 - 190 - 540 - 964 - 978

ISBN : 978 - 964 - 540 - 190 - 8

مراکز پخش و فروشگاه‌های مشعر:

تهران: تلفن: ۰۲۱-۶۴۵۱۲۰۰۳ / قم: تلفن: ۰۲۵۱-۷۸۳۸۴۰۰

فهرست

سپیده سخن ۱۷

«آ»

آخرت فروشی ۲۳

آینده‌نگری در کار ۲۴

«الف»

احترام به حقوق دیگران ۲۶

احترام به هم‌نشینان ۲۷

احسان و نیکوکاری ۲۸

ارزش علم و عبادت ۲۹

ارزش هدایت دیگران ۳۰

استبداد رأی ۳۱

استفاده از تجربه‌های دیگران ۳۲



با پیامبر مهربانی

- ۳۳ اظهار خوشحالی از گناه
۳۴ اظهار کردن حق
۳۵ امیدواری به رحمت خداوند

«ب»

- ۳۷ بازگشت
۳۸ بدترین فقر
۳۹ بدگویی در غیاب افراد
۴۰ بدهکاری در اثر قرض های نابجا
۴۱ برادران الهی
۴۲ بهترین کردار
۴۴ بی احترامی به والدین

«پ»

- ۴۷ پر حرفی
۴۸ پر خوری
۴۹ پر خوری و سخت دلی
۵۰ پرده پوشی
۵۱ پرسش قیامت



با پیامبر مهربانی

- ۵۲ پرسش‌گری
- ۵۴ پرهیز از نجوا
- ۵۵ پشتکار
- ۵۶ پناهگاه نیازمندان
- ۵۷ پندآموزی از درگذشتگان
- ۵۸ پند و اندرز

«ت»

- ۵۹ تأخیر در انجام کار
- ۶۰ تحقیر دیگران
- ۶۰ تدبیر و خویشتن‌داری
- ۶۱ ترویج فساد
- ۶۳ تظاهر به گناه
- ۶۴ تظاهر و ریا
- ۶۵ تلاوت قرآن
- ۶۷ تنفر از گناه
- ۶۸ توکل به قدرت الهی
- ۶۹ تهمت دزدی

«ث»

ثروت مندان بی تفاوت ۷۱

«ج»

جبران نیکی ۷۳

جدال همیشگی ۷۴

جلب اعتماد مردم ۷۵

جلب رضایت الهی ۷۶

جواب نامه ۷۷

«چ»

چشم داشتن به مال دیگران ۷۹

«ح»

حفظ آبرو ۸۱

حق کشی ۸۲

حل اختلاف ۸۳

حلال و حرام ۸۴

حیا و ایمان ۸۵

«خ»

- ۸۷ خبر ناموثق
- ۸۸ خدا ترسی
- ۸۹ خدا خواهی
- ۹۰ خدمت به مردم
- ۹۱ خشم
- ۹۳ خواب صبح گاهی
- ۹۴ خواندن نامه دیگران
- ۹۵ خوش بویی
- ۹۶ خوش رفتاری با خانواده
- ۹۷ خیر خواهی

«د»

- ۹۹ دانش اندوزی
- ۱۰۱ دانشمندان بی عمل
- ۱۰۲ دانشمند فاسد
- ۱۰۴ دانشوری
- ۱۰۶ درخواست
- ۱۰۷ دروغ گویی

- دعا در غیاب دیگران ۱۰۹
- دعوت به گمراهی ۱۱۰
- دگرگونی های زندگی ۱۱۱
- دنیاگرایی ۱۱۲
- دوری از مواضع اتهام ۱۱۳
- دوستی خدا ۱۱۴

«ر»



- راست گوینان دروغین ۱۱۷
- راهنمایی ۱۱۸
- رسوایی آخرت ۱۱۹

«ز»

- زهد و پارسایی ۱۲۱
- زیبا سخن گفتن ۱۲۲

«س»

- سست ایمانی و تجمل گرایی ۱۲۵
- ستایش بدکار ۱۲۶

- ۱۲۷ سحر خیزی و بی نیازی
- ۱۲۸ سرایشی سقوط
- ۱۳۰ سرعت در خیرات
- ۱۳۱ سستی در عبادت
- ۱۳۲ سلام
- ۱۳۳ سوغات سفر
- ۱۳۵ سوگند ناصواب



- ۱۳۷ شادی چشم‌ها
- ۱۳۸ شایسته سالاری
- ۱۴۰ شتاب در توبه
- ۱۴۰ شنیدن سخنان خوب
- ۱۴۲ شهادت دروغ

«ص»

- ۱۴۳ صداقت در تجارت
- ۱۴۴ صله رحم

«ض»

۱۴۵ ضیافت مقبول

«ط»

۱۴۷ طلب عافیت برای دیگران

«ع»

۱۴۹ عالم به دنیا و جاهل به آخرت

۱۵۰ عبادت مخفی

۱۵۱ عذرپذیری

۱۵۲ عزت نفس

۱۵۳ عفو به هنگام قدرت

۱۵۴ عیادت از بیماران

«غ»

۱۵۷ غذای دسته جمعی

۱۵۸ غرور علمی

۱۵۹ غنیمت شمردن لحظه‌ها

«ف»

۱۶۱ فداکاری برای دین

۱۶۲ فریب کاران

«ق»

۱۶۵ قرض گرفتن

۱۶۶ قناعت

«ک»

۱۶۷ کم حوصله بودن

۱۶۸ کمک به نابینایان

۱۶۹ کوچک شمردن مشکلات

۱۷۰ کیفیت بخشیدن به کار

«گ»

۱۷۱ گذشت

۱۷۲ گردش ایام

۱۷۳ گشاده رویی

۱۷۴ گشایش در زندگی

گوهرهای درخشان ۱۷۶

«ل»

لبخند ۱۷۹

لجاجت و ستیزه جویی ۱۸۰

«م»

مبارزه با هوای نفس ۱۸۳

مدارا با بدهکاران ۱۸۴

مدارای مشروط ۱۸۵

مردم آزاری ۱۸۶

مزد کارگر ۱۸۷

مشورت ۱۸۸

ملاحظه کاری ۱۸۹

مهمان ناخوانده ۱۹۱

میزان سنجش عقل ۱۹۲

«ن»

نزدیک ترینان به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ۱۹۳

نفرین ستم دیدگان ۱۹۴

- نماز ۱۹۵
- نماز شب ۱۹۶
- نماز صبح در مسجد ۱۹۷
- نیکوکاری ۱۹۹

«و»

- وساطت در ازدواج ۲۰۱
- وصیت نامه ۲۰۲



- هدیه ۲۰۳
- هدیه معنوی ۲۰۴
- هم نشینی با فقیران ۲۰۵
- هم نشینی با نیکان ۲۰۶

«ی»

- یادداشت دانستنی ها ۲۰۹
- یاد کرد نیکی مردگان ۲۱۰
- کتابنامه ۲۱۳

سپیده سخن

زان که ملت را حیات از عشق اوست
برگ ساز کاینات از عشق اوست
اقبال لاهوری
بیان شیرین و سخن دل‌نشین رسول خدا ﷺ،
شفابخش‌ترین داروی دل‌های خسته‌ای است که راه
و راه‌نمای کمال و سرچشمه خورشید را
جست‌وجو می‌کنند. حضرت علی علیه السلام در
نهج‌البلاغه می‌فرماید:

بی‌گمان دل‌ها نیز بسان بدن‌ها خسته می‌شوند.
پس برای رفع خستگی دل، طرفه حکمت‌هایی
بعجوید.

به راستی، سفارش‌ها و رهنمودهای پیامبر، مانند
بهاریه‌ای است که فضای جان را سرسبز و باطراوت
می‌سازد.

صرف باطل نکند عمر گرامی پروین

آن‌که چون پیر خرد، راهنمایی دارد

پروین اعتصامی

و خوشا به حال آنان که گل‌های رنگارنگ از

شاخ مراد می‌چینند. حال که ناخدای سبزپوش بحر

ولایت، جان زمان را به نام همیشه نورانی رسول

وحی و پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله آذین بسته، بهترین

فرصت برای این کار است و سخنان گهربار پیامبر

بهترین هدیه‌ای است که می‌توان در آغاز بهار هدیه

همراهان ساخت. نبی مکرم می‌فرماید:

مسلمان به برادرش، بهتر از کلمه‌ای

حکمت‌آمیز که بر هدایت او بیفزاید یا او را از

سقوط بازدارد، هدیه نمی‌دهد.^۱

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، هر جا که دل‌های مردم را برای

شنیدن آماده می‌دید، سخن می‌گفت؛ چه بر منبر، چه

روی زمین و چه سوار بر شتر؛ گاه نیز ایستاده

۱. ورام بن ابی فراس اشتری، مجموعه ورام، تهران، چاپ‌خانه

حیدری، ج ۲، ص ۲۱۲.

سخنرانی می‌کرد. اگر بر فراز منبر می‌رفت، صورت خود را به طرف مردم می‌کرد و به آنان درود می‌فرستاد و پایان خطابه‌اش با استغفار همراه بود. همواره محور سخنانش، درود بر خداوند و ستایش او به خاطر نعمت‌هایش، توصیف کمال او، آموزش بنیان‌های اسلام، یادآوری بهشت و دوزخ و سرای واپسین، سفارش به پارسایی و تبیین موارد خشم و خرسندی آفریدگار بود.

چنان شمرده سخن می‌گفت که شنونده می‌توانست واژگانش را بشمارد. همچنین فشرده‌گوترین انسان‌ها بود، ولی در عین ایجاز تمامی آنچه را می‌خواست بگوید، بیان می‌کرد. نه زیاده‌گویی داشت و نه کم‌گویی؛ جمله‌هایش پی در پی بود و میان آنها لحظه‌ای خاموش می‌ماند تا شنونده، سخنانش را دریابد و به خاطر بسپارد.

شیرین‌سخن‌ترین و شیواگوترین مردمان بود و می‌فرمود: «من فصیح‌ترین عربم». باری، بهشتیان به زبان محمد ﷺ سخن می‌گویند. جز به ضرورت

سخن نمی‌گفت و می‌فرمود: «از نشانه‌های دانایی آدمی این است که در مسائل بیهوده، اندک سخن گوید». نه بسیار کم سخن بود و نه پرگو. هنگام حرف زدن، دهان را کاملاً باز نمی‌کرد و زمانی که سخن می‌گفت، شنوندگان سرشان را پایین می‌انداختند و چنان آرام بودند که گویا پرنده‌ای بر سرشان نشسته است و چون خاموش می‌شد، آنان حرف می‌زدند. به پُرگویان هشدار می‌داد و می‌فرمود:

هر که گفتارش بسیار باشد، اشتباهش بسیار شود
و کسی که اشتباهش زیاد باشد، گناهانش بسیار
گردد و هر که گناهانش بسیار باشد، دوزخ برای
او شایسته‌تر است.^۱

آن حضرت هیچ‌گاه با نهایت مرتبه عقل و فهم خویش با کسی سخن نگفت و می‌فرمود: «ما پیامبران، مأموریم که با مردم به اندازه عقل و فهم آنان

سخن بگوییم».^۱

رسول الله ﷺ، نمونه کامل تجلی این هنر و ادب است؛ سخنش عمیق، بامحتوا، زیبا، سنجیده و مختصر بود و اضافه‌گویی و کاستی در سخن ایشان یافت نمی‌شد. آداب سخن را کاملاً رعایت می‌کرد، شمرده و آرام سخن می‌گفت و در گفتارش صراحت لهجه داشت. در سخن گفتن سطح درک و فهم مخاطب را همواره در نظر داشت. او فصیح‌ترین سخن را داشت و لحن سخن او جالب، جذاب و شیرین بود. با صدای کوتاه سخن می‌گفت و کسی را با سخن نمی‌رنجانده. نعمت را هر چند ناچیز، گرامی می‌داشت و از آن بدگویی نمی‌کرد.

سخن از ترسیم سیمای آفتاب است؛ نور و درخشش او چشم‌ها را خیره و دل‌ها را می‌رباید؛ آفتابی که دل و جان هر آزاده‌ای با آن آشناست. این مجموعه، رشحه‌ای از کلمات ناب رسول الله ﷺ است که از نور محمد ﷺ برگرفته‌ایم و ما تنها وظیفه

گوهرنمایی را برعهده داریم. باشد که آئینه کلاممان بتواند عطر وجود پیامبر را از خلال گفته‌های حکمت آموزش، به مشام جان‌ها بیافشانند.

این مجموعه را که با هدف نهادینه‌سازی رهنمودهای پیامبر تهیه شده است و سبزی بهار را در آئینه سخنان رسول اعظم صلی الله علیه و آله می‌جوید، تقدیم زائران ارجمند می‌کنیم؛ باشد که رواق دل‌هایمان با نام و یاد او عطرآگین شود.





آخرت فروشی

بعضی افراد به دلیل برخورداری از مال و مقام و دیگر ظواهر مادی - که صد البته ناچیز و فانی است - معنویت خود را فدا می‌کنند و کالای با ارزش ایمان را به قیمت کم می‌فروشند. اینان پس از مدتی، خود را در این معامله نابرابر، زیان‌کار می‌بینند و به پشیمانی و عذاب وجدان دچار می‌شوند. آنان به راستی از زیان‌کارانند. زیان‌کارتر و بدبخت‌تر از این گروه، کسانی هستند که برای دنیای دیگران، دین خود را می‌فروشند. اینان به کسانی یاری می‌رسانند که در روز حساب، یاور آنان نخواهند بود. چنین افرادی به دلیل کمک به دنیاپرستان و مسلط کردن آنان بر مردم، گناه بزرگی به گردن خواهند گرفت. پیامبر راستین اسلام می‌فرماید:

إِنَّ مِنْ شَرِّ النَّاسِ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
عَبْدًا أَذْهَبَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ.^۱

بدترین مردم از نظر مقام در روز قیامت، کسی
است که آخرتش را برای دنیای دیگران
بفروشد.

آینده‌نگری در کار

باید پیش از انجام هر کاری، سود و زیان مادی و
معنوی آن را سنجید و با مقایسه دریافت که آیا
انجام آن کار به سود و صلاح است یا خیر؟
کسانی که در زندگی چنین محاسبه‌ای را در نظر
می‌گیرند، نه تنها پشیمان نخواهند شد، بلکه
همیشه از نتیجه کار خشنودند. در حقیقت، هر کار
سنجیده و حساب شده‌ای به کام‌یابی بسیار
نزدیک است. پس یکی از راه‌های موفقیت در
زندگی این است که انسان جوانب هر کاری
را بسنجد و سود و زیان آن را بررسی کند.

پیامبر اکرم ﷺ می فرماید:

إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَفْعَلَ أَمْرًا فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنْ كَانَ خَيْرًا فَاْمُضِ بِهِ وَإِنْ كَانَ شَرًّا فَانْتِهِ.^۱

هرگاه خواستی کاری انجام دهی، درباره نتیجه‌اش بیاندیش؛ اگر نتیجه نیک است، انجام بده و اگر بد است، از انجام آن پرهیز کن.





احترام به حقوق دیگران

همان‌گونه که آدمی دوست دارد دیگران به حق او تجاوز نکنند و احساسش را نادیده نگیرند، خود نیز به حکم وجدان و انسان بودن، وظیفه دارد تا حقوق همه انسان‌ها را محترم شمارد. اگر خدای ناکرده تصمیم گرفتید نسبت به حق کسی بی‌توجهی کنید، شایسته است پیش از اجرای این تصمیم، خود را به جای او قرار دهید و بیاندیشید که آیا اگر او چنین تصمیمی را درباره شما گرفته بود، ناراحت نمی‌شدید؟ به هر حال، بنابر فرمایش رسول گرامی اسلام، انسان باید به فکر آسایش و آرامش هم‌نوعان خود باشد. ایشان می‌فرماید:

أَحِبِّ لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ.^۱

آنچه را برای خود می‌خواهی، برای مردم نیز بخواه.

احترام به هم‌نشینان

انسان باید به هم‌نشینان خود احترام بگذارد، با آنان برخوردی بی‌تکلف داشته باشد و آنان را با بهترین اسم بخواند تا پیوند دینی بین آنان مستحکم‌تر شود. انسان باید با کسانی هم‌نشین شود که هم‌تراز او بوده و از فرهنگ یکسانی برخوردار باشند؛ زیرا هر دسته و گروهی، رفتاری متناسب با فرهنگ خود دارند و اگر با غیر خود مباشرت کنند، به اختلاف و ناسازگاری دچار خواهند شد. بنابراین، برای پایداری دوستی‌ها انسان باید با کسانی معاشرت کند که از نظر دینی و فرهنگی، هم‌تراز او باشند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

أَفْضَلُ الْحَسَنَاتِ تَكْرِيمَةُ الْجُلَسَاءِ.^۱

بهترین کارهای نیک، گرامی داشتن هم‌نشینان است.

همچنین فرموده است:

لَا تَضْحَبَنَّ أَحَدًا لَا يَرِي لَكَ كَمِثْلٍ مَا تَرِي لَهُ.^۱
 با کسی که تو را هم سنگ خود نمی‌داند،
 هم‌نشینی مکن.

احسان و نیکوکاری

دستگیری از محرومان و کمک به مستمندان، عبادت
 است و خداوند را خوشنود می‌سازد. گاهی صدقه در
 قالب کمک‌های مالی معنا می‌یابد و خداوند نیز برای
 صدقه دهنده، پاداش‌های فراوانی را در نظر گرفته
 است. البته با گسترش مفهوم صدقه، آن را می‌توان به
 هرگونه ترک آزار دیگران نیز تعمیم داد. اگر کسی
 سلیم‌النفس باشد و در پی آزار دیگران نباشد، نزد
 خداوند، ثواب کسی را دارد که به دیگران صدقه داده
 و در حق آنان احسان کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در
 این باره فرمود:

تَرْكُ الشَّرِّ صَدَقَةٌ.^۲

ترک کردن بدی، صدقه است.

ارزش علم و عبادت

از دیر زمان این پرسش مطرح بوده است که علم برتر است یا عبادت؟ نشستن در حلقه علمی بهتر است یا پرداختن به تکلیف عبادی؟ باید دانست که در عبادت، انسان فقط به خود می‌رسد، ولی دانش، هم فایده فردی دارد و هم سود اجتماعی. البته دانشی مورد تأیید اسلام است که به حال فرد و جامعه، مفید باشد. دانشی که فایده‌ای نداشته باشد یا متضمن زیانی باشد، از گردونه این مقایسه خارج است. دانش می‌تواند بشر را به تکنولوژی برتر برساند و نیز می‌تواند زمینه‌ساز وارد آمدن زیان‌های جبران‌ناپذیری برای جامعه انسانی باشد. نمونه آن در ساختن سلاح‌های میکروبی، شیمیایی یا بمب‌های اتمی و هیدروژنی به خوبی نمایان است. در کنار این نباید از یاد ببریم که بسیاری از پیشرفت‌های بشر در پرتو دانش صورت گرفته است. پیامبر ارجمند اسلام درباره وزن علم و عبادت می‌فرماید:

فَضْلُ الْعِلْمِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ فَضْلِ الْعِبَادَةِ وَ
أَفْضَلُ دِينِكُمُ الْوَرَعُ.^۱

فضیلت علم نزد من از فضیلت عبادت
محبوب تر است و برترین دستور دین شما،
پرهیزگاری و پارسایی است.

ارزش هدایت دیگران

هدایت دیگران و بازداشتن آنان از انحراف، یکی از
بزرگ‌ترین وظایف انسان است. برخی می‌پندارند
این مهم را تنها یک دانشمند یا عالم دینی باید انجام
دهد، در حالی که چنین نیست و همه اعضای جامعه
اسلامی باید برای انجام آن بکوشند. چه بسا با یک
رفتار سنجیده یا سخن منطقی، آینده روشنی برای
یک فرد یا خانواده و در نتیجه، جامعه رقم بخورد.
همه روزه، حوادث گوناگونی رخ می‌دهد که اگر
افراد در آن مسئله پا در میانی کنند، ممکن است به
راه‌های تاریک کشیده نشود. بسیار اتفاق می‌افتد که

پس از رخ دادن حادثه‌ای، انسان خود را ملامت می‌کند که چرا در راه صلح و سازش و هدایت دیگران گامی برنداشته است. پیامبر بزرگوار اسلام در این باره می‌فرماید:

لَا نَ يَهْدِي اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا
طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ غَرَبَتْ.^۱

اینکه خداوند به دست تو، شخصی را هدایت کند، از همه چیزهایی که خورشید بر آن طلوع و غروب می‌کند، برای تو بهتر است.

استبداد رأی

استبداد رأی، نشانه خودخواهی و یکی از صفات ناپسند اخلاقی است. دارنده این صفت، انتظار دارد که دیگران حتماً سخن او را بپذیرند و بی‌چون و چرا اجرا کنند. این‌گونه افراد به دلیل انتظار پوچ و بی‌اساس خود، بیشتر با ناکامی روبه‌رو می‌شوند و مردم به آنان، پاسخ مثبت نمی‌دهند. به‌طور کلی،

نفس سلیم انسانی در برابر زورگویی‌ها، واکنش منفی نشان می‌دهد و هرگز زیر بار تحمیل و اجبار نمی‌رود. شایسته است که افراد، از دیگران انتظار بی‌جا نداشته باشند و خود را با واقعیت‌های موجود، سازگار سازند. پیامبر گرامی اسلام در نکوهش این خصلت ناپسند می‌فرماید:

... وَ كَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا إِذَا أَعْجَبَ بِرَأْيِهِ.^۱

... در گمراهی شخص همین بس که به رأی خود مغرور شود.

استفاده از تجربه‌های دیگران

برخی انسان‌ها با زیرکی و حسابگری ویژه خود، از تجربه‌های دیگران بهره می‌برند. بسیار اتفاق می‌افتد که افراد در کوتاه‌ترین زمان ممکن به کمک تجربه‌های دیگران به مسائل جدیدی دست می‌یابند، در حالی که اگر به خود متکی بودند، برای رسیدن به آن، باید زمان زیاد و هزینه‌های هنگفت

صرف می‌کردند. بنابراین، انسان می‌تواند با استفاده از تجربه‌های ارزنده دیگران که حاصل سال‌ها رنج و تلاش آنان است:

الف) کاستی‌های تجربه‌گذشتگان را برطرف کند.
ب) به تجربه‌های تازه و غیرمنتظره‌ای دست یابد.

انسان می‌تواند از اندوخته‌های جمعی دیگران، بیشترین بهره را ببرد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

... لَا حَكِيمَ إِلَّا ذُو تَجَرِبَةٍ^۱

... آن کس که تجربه نیاندوزد، خردمند نیست.

اظهار خوشحالی از گناه

برخی پس از انجام دادن گناه، از کار خود شرمنده و پشیمان می‌گردند و همین پشیمانی سبب می‌شود که به خدا روی آورند و دیگر به گناه آلوده نشوند. آنان می‌کوشند تا دیگران هرگز از کارشان باخبر نشوند.

در مقابل، عده‌ای دیگر چنان پرده حیا را دریده‌اند که بدون هیچ نگرانی، دیگران را از کار زشت خود آگاه و حتی از آن، احساس خوشحالی می‌کنند. بی‌تردید، این افراد که در ردیف بدترین انسان‌ها قرار می‌گیرند و در برابر آیین انسان‌ساز اسلام که به پرده‌پوشی گناه دستور داده است، ایستاده‌اند، به عقوبتی دردناک دچار می‌شوند. پیامبر گرامی اسلام در هشدارآموزنده می‌فرماید:

مَنْ أَذْنَبَ وَ هُوَ يَضْحَكُ دَخَلَ النَّارَ وَ هُوَ يَبْكِي.^۱

هر که گناه کند و خندان باشد، در حالی که گریان است، وارد آتش می‌شود.

اظهار کردن حق

بسیاری از انسان‌ها با اینکه حق را تشخیص می‌دهند، ولی از بیان صریح و آشکار آن خودداری می‌کنند. این گریز از ادای حق و حقیقت، دلایل

گوناگونی دارد. گاهی برای تضييع حقوق ديگران است. زمانی، به خاطر رنجشی است که از طرف مقابل دارند و می‌خواهند بدین وسیله، او را ناراحت کنند و مایه آرامش خود را فراهم آورند. گاهی هم ممکن است با اینکه در قلب، تمایل خاصی به ادای حق دارند، ولی ابهت و قدرت زورمندان، آنان را از بیان واقعیت باز می‌دارد. این در حالی است که بر اساس آموزه‌های آزادی‌بخش اسلام، هر انسان مسلمان و آزاده‌ای وظیفه دارد به کمک مظلوم بشتابد. رسول آزاد مردان جهان می‌فرماید:

لَا تَمْنَعَنَّ أَحَدَكُمْ مَهَابَةَ النَّاسِ أَنْ يَقُومَ بِالْحَقِّ
إِذَا عَلِمَهُ.^۱

مبادا ابهت مردم، شما را از اقامه حقی که از آن آگاهید، باز دارد.

امیدواری به رحمت خداوند

در هیچ حال، نباید از بخشش خداوند بزرگ ناامید شد. ممکن است گناه فرد، بسیار بزرگ باشد، ولی

هرگز نمی‌توان از رحمت پروردگار بزرگ و بخشنده قطع امید کرد. گناه هر قدر بزرگ باشد، هرگز از رحمت بی‌پایان الهی بزرگ‌تر نیست. از این رو، ناامیدی از رحمت خداوند، گناهی بزرگ شمرده شده است. پس انسان مسلمان باید در خوف و رجا باشد. از یک سو، به آمرزش الهی امیدوار باشد و از سوی دیگر، از گناه خود بترسد و به توبه و استغفار روی آورد. باشد که درهای رحمت حضرت حق بر وی گشوده شود و مورد آمرزش قرار گیرد. پیامبر بزرگ اسلام می‌فرماید:

أَلْفَاجِرُ الرَّاجِي لِرَحْمَةِ اللَّهِ تَغَالَى أَقْرَبُ مِنْهَا
مِنَ الْغَائِدِ الْمُقْنِطِ.^۱

بدکاری که به رحمت خدا امید دارد، از عابد ناامید، به خدا نزدیک‌تر است.



بازگشت

به جز معصومین علیهم السلام، هیچ کس از گناه ایمن نیست. افراد عادی کم و بیش بر اثر غفلت و ناآگاهی گناه می‌کنند و از یاد می‌برند که عالم محضر خداست و آدمی نباید در حضور خداوند، چنین جسارتی کند. با این حال، چه بسیارند کسانی که توفیق زیبایی شامل حالشان می‌شود و از کرده خود پشیمان و به پاک‌سازی دل مشغول می‌شوند. آنان در تلاشند با دلی پاک و روانی آرام از جهان خاکی به سوی ملکوت اعلا پر بگشایند. اینان آن گاه که بر اثر وسوسه‌های شیطانی، دامن خود را به گناه می‌آلایند، از خدا استغفار می‌جویند و رنج توبه را بر خود هموار می‌سازند. این حالت، اعتقاد راسخ آنان به معاد و جهان آخرت را نشان می‌دهد. وقتی انسان در برابر دیدگان همیشه بیدار خداوند، گناه کرد و فقط او از آن آگاه شد، سپس احساس شرمندگی به او

دست داد و با رنج عبادت و اشک دیدگان، در صدد جبران لغزش‌ها برآمد، خداوند نیز او را شامل رحمت خود می‌کند و از او درمی‌گذرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ترغیب به توبه و بازگشت می‌فرماید:

طُوبَى لِمَنْ نَظَرَ إِلَى اللَّهِ إِلَيْهَا تَبْكِي عَلَى ذَنْبٍ
لَمْ يَطْلُغْ عَلَى ذَلِكَ الذَّنْبِ أَحَدٌ غَيْرُ اللَّهِ.^۱

چه خوش است صورتی که خداوند به آن نظر افکند و برگناهی که کسی جز خداوند از آن آگاه نیست، گریه می‌کند.



بدترین فقر

نادانی، بیماری درمان ناپذیری است. نادان استقلال فکری ندارد و مانند بید، با هر بادی به سویی می‌چرخد. همیشه چشم به دیگران دوخته است تا برای او تصمیم بگیرند و در این میان نمی‌داند که مسیر هدایت را می‌پیماید یا راه گمراهی را؛ زیرا این موضوع را راهنمایی نادان مشخص می‌کند. اگر

انسانی عاقل و باتدبیر راهنمای او شود، مسیر نور و روشنائی نصیب او می‌گردد. در غیر این صورت، از گمراهان خواهد بود. داوری‌های نادان، غلط؛ اظهار نظرهای او، نادرست؛ گفتارش، متناقض و کردارش، نامبارک است.

چنین انسانی تا مرز سعادت و نیک‌بختی بسیار فاصله دارد. اگر به سوی بصیرت و دانایی نرود، در دنیا و آخرت چون کوران، خواهد زیست. پیامبر اسلام درباره فقر فرهنگی این افراد می‌فرماید:

يَا عَلِيُّ! إِنَّهُ لَا فَقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ.^۱

ای علی! همانا فقری سخت‌تر از نادانی نیست.

بدگویی در غیاب افراد

بدگویی و غیبت از عادت‌های بسیار ناپسند است. شخص بدگو و غیبت‌کننده، در غیاب دیگران درباره آنان سخنانی می‌گوید که ایشان را ناراحت می‌کند. از این رو، همواره از آشکار شدن سخن خود، در رنج

و هراس به سر می‌برد تا مبادا چهره منافقانه‌اش پدیدار شود. این ناپسندترین برخورد با دوستان است که در غیاب آنان، اسرارشان را هویدا کنیم یا به بدگویی از ایشان پردازیم. آیا بهتر نیست که انسان، مراقب کردار خود باشد و به دیگران احترام گذارد تا خود نیز محترم باشد. پیامبر گرامی اسلام درباره معیار غیبت می‌فرماید:

مَا كَرِهْتَ أَنْ تُوَاجِهَ بِهِ أَخَاكَ فَهُوَ غِيْبَةٌ.^۱

هر چیزی را که دوست نداری روبه‌روی برادر خویش اظهار کنی، غیبت است.

بدهکاری در اثر قرض‌های نابجا

انسان گاهی در زندگی خود به کمک مالی دیگران نیاز پیدا می‌کند. پس باید نیازهای اساسی خود را از راه «قرض الحسنه» که یک سنت اصیل اسلامی است، برآورده کند. با این حال، متأسفانه بعضی افراد در بسیاری از مسائل جزئی، به سوی این و آن دست

نیاز دراز می‌کنند و در جاهایی که ضرورت چندانی ندارد، خود را مدیون و بدهکار می‌سازند. آدمی باید خویشتن‌دار باشد و بکوشد مقروض دیگران نشود؛ زیرا ممکن است شخصیت والای انسانی او به دلیل تأخیر در بازپرداخت بدهی خدشه‌دار شود. پیامبر بزرگوار و عزیز اسلام می‌فرماید:

إِيَّاكُمْ وَالدَّيْنَ فَإِنَّهُ هُمْ بِاللَّيْلِ وَ مَذَلَّةٌ بِالنَّهَارِ.^۱
از قرض کردن پرهیزید؛ زیرا غم شب و ذلت روز است.



برادران الهی

تنها دوستانی ارزشمندند که انسان را در مسیر صحیح هدایت کنند و از گرداب‌های انحراف، نجات بخشند. چنین دوستانی، حافظ دین و ایمان انسان هستند و او را در گرفتاری‌های زندگی یاری خواهند کرد. باید بکوشیم با افرادی که از کردار و گفتارشان، عطر الهی برمی‌خیزد، طرح دوستی

بریزیم. افزون بر آن، خود نیز باید به اخلاق الهی آراسته باشیم تا در شمار کسانی درآییم که پیامبر رحمت و مدارا، آنان را می ستاید. ایشان می فرماید:

خِيَارُكُمْ مَنْ ذَكَرَكُمْ بِاللَّهِ رُؤْيَتْهُ وَ زَادَ فِي
عِلْمِكُمْ مَنْطِقُهُ وَ رَغِبَكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلُهُ.^۱

بهترین شما آن کس است که دیدار او، خدا را به یاد شما آورد و سخنانش، بردانش شما بیافزاید و رفتارش، شما را به آخرت، مشتاق سازد.

بهترین کردار

ترک محرمات و انجام واجبات، راه دستیابی به کمال و اطاعت از ذات الهی است. در کنار این اعمال عبادی و دوری از گناهان، آدمی باید قناعت پیشه کند و به روزی تقسیم شده الهی راضی باشد. حرص و طمع از موانع کمال آدمی هستند و انسان کمال جو، در دام آنها اسیر نمی شود. مگر نه این

است که خداوند پیش از تولد کودک، روزی او را از پیش مهیا ساخته است و در اعماق دریاها و اوج آسمانها هیچ جنبنده‌ای را بی غذا رها نمی‌سازد. پس چگونه انسان مؤمن در غم روزی فرو می‌رود و به هزاران ترفند دست می‌زند تا نصیب و بهره‌ای بیشتر عایدش شود. چگونه خاطر آسوده نداریم و در آرامش نباشیم وقتی که آفریننده‌ای مهربان، ناظر بر احوال بندگان است؟ آیا بهتر نیست که برای دست‌یابی به زندگی زودگذر، زیر بار منت و تملق نرویم و در هر حال، عزت و کرامت خویش را حفظ کنیم. به راستی که آزادگان از جیفه دنیا و از بند تعلق آزادند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

أَحَبُّ الْعَمَلِ إِلَى اللَّهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: مَنْ آتَى
 اللَّهَ بِمَا افْتَرَضَ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ أَعْبِدِ النَّاسِ وَ
 مَنْ وَرَعَ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ فَهُوَ مِنْ أَوْرَعِ النَّاسِ
 وَ مَنْ قَنَعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنْ أَغْنَى
 النَّاسِ.^۱

بهترین کارها نزد خدا، سه کار است: انجام دادن واجبات و کسی که واجبات خود را به جا بیاورد، از عابدترین مردم است؛ دوری از گناهان و هر کس از محرمات اجتناب کند، از پارساترین مردم است؛ قناعت به داده خدا و شخصی که به روزی خدا قانع باشد، از بی نیازترین مردم است.

بی احترامی به والدین

پدر و مادر حق بزرگی بر انسان دارند؛ زیرا حیات و هستی انسان‌ها، مرهون وجود والدین است و خدمات شبانه‌روزی فرزندان نمی‌تواند ذره‌ای از تلاش خالصانه و بی‌دریغ آنان را پاسخ‌گو باشد. چه بسیار ناپسند است اگر انسانی که توان کوچک‌ترین حرکتی را نداشت و با مراقبت و نگره‌داری والدین، به دوران شکوفایی و جوانی رسیده است، با ناسپاسی و نمک‌شناسی به والدین ناسزا بگوید و مایه رنجش خاطر آنان گردد. ادب و انسانیت اقتضا می‌کند که دست کم اگر نمی‌توانیم تلاش‌های

طاقة فرسای آنان را ارج بنهیم، با آزار دادن و بی حرمتی به والدین، خود را گرفتار عذاب و نفرین الهی نسازیم. پیامبر رحمت در کلامی گران سنگ می فرماید:

مَلْعُونٌ مَنْ سَبَّ أَبَاهُ مَلْعُونٌ مَنْ سَبَّ أُمَّهُ. ۱

کسی که به پدر و مادرش ناسزا گوید، ملعون است.







پرحرفی

انسان‌های پُرگو، مخزن سخنان پوچ و بی‌ارزش‌سند. آنان برای اینکه رشته سخن را از دست ندهند، می‌کوشند بی‌اندیشه و ناسنجیده، مطالبی را بر زبان آورند. بدین ترتیب، شنوندگان نه تنها به سخنان او توجه نمی‌کنند، بلکه با ناراحتی و تنفر، هر لحظه منتظرند که سخنان او پایان‌پذیرد تا دمی بیاسایند. از آن پس نیز سعی می‌کنند که از هم‌نشینی با او بپرهیزند. بنابراین، انسان باید در سخن گفتن، اعتدال را رعایت کند تا به لغزش دچار نشود و دل‌زدگی دیگران را فراهم نسازد. پیامبر ارجمند اسلام می‌فرماید:

مَنْ كَثَرَ كَلَامُهُ كَثُرَ سَقَطُهُ.^۱

هر کس کلامش زیاد باشد، لغزشش نیز زیاد می‌شود.

همچنین می فرماید:

نِعْمَ الْهَدِيَّةُ الْكَلِمَةُ مِنْ كَلَامِ الْحِكْمَةِ.^۱

چه نیکو هدیه‌ای است یک گفتار
حکمت آموز.

پرخوری

بعضی افراد گمان می کنند هر چه بر سر سفره گذاشته اند، برای مصرف است و با تلاش و اصرار زیاد می خواهند آن را میل کنند. در حالی که این کار، سرآغاز بسیاری از بیماری ها و بر خلاف توصیه های ائمه معصومین علیهم السلام است. آن بزرگواران تأکید دارند پیش از سیری کامل و با وجود داشتن اشتها به غذا، از سر سفره برخیزید. بسیاری از اوقات، با اینکه پزشکان، افراد را از خوردن غذای بیش از حد منع می کنند، باز می بینیم که آنان نمی توانند از اشتهای کاذب خود جلوگیری کنند. در نتیجه، به بیماری های دیگری دچار می شوند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در بیان

زیان‌های پرخوری می‌فرماید:

مَنْ قَلَّ طَعْمُهُ صَحَّ بَدَنُهُ وَ مَنْ كَثُرَ طَعْمُهُ سَقُمَ
بَدَنُهُ وَ قَسَا قَلْبُهُ.^۱

هر کس کم بخورد، بدنش سالم می‌ماند و هر
کس زیاد بخورد، بدنش بیمار و قلبش پر
قساوت خواهد شد.

پرخوری و سخت دلی

کسانی که به پرخوری عادت دارند، از کارهای
عبادی و وظایف معنوی خود باز می‌مانند؛ زیرا
پرخوری، امکان هرگونه فعالیت را از آنان می‌گیرد.
در این صورت، به تدریج در چنگال انواع
بیماری‌های جسمی و روحی گرفتار می‌شوند و
سلامتی خود را از دست می‌دهند. نبود سلامتی نیز
قدرت اندیشیدن را از آنان می‌گیرد. افزون بر این،
ممکن است بعضی افراد، برای سیر کردن خود، به
هر حلال و حرامی پناه ببرند. بدین ترتیب باید
منتظر عذاب الهی باشند. پیامبر اسلام می‌فرماید:

مَنْ تَعَوَّدَ كَثْرَةَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ قَسَا قَلْبُهُ.^۱

هر کس به پر خوری عادت کند، سخت دل می شود.

پرده پوشی

چون انسان معصوم نیست، ممکن است در طول زندگی مرتکب گناه یا اشتباهی شود که هر چند از نظرگاه الهی دور نمی ماند، ولی دوست ندارد اسرارش در بین مردم، آشکار و رسوای عام و خاص شود. بنابراین، اگر انسان از اعمال پنهانی کسی آگاه شود، اجازه ندارد آن را آشکار کند؛ زیرا سبب لکه دار شدن حیثیت و آبروی آن فرد می شود و چه بسا وی گستاخ تر شود و حتی آشکارا به کارهای بدتر دست یازد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره حفظ اسرار دیگران می فرماید:

لَا تَخْرِقَنَّ عَلَى أَحَدٍ سِتْرًا.^۲

هرگز پرده اسرار دیگران را ندرید.

پرسش قیامت

یکی از نام‌های قیامت، «یوم الحساب» است. در این روز، انسان باید پاسخ‌گوی گفتار و رفتار خود باشد، هرچند خداوند از نهان و پنهان ما آگاه است. در این روز، از سرمایه عمر انسان می‌پرسند و از اینکه عمر گران‌مایه را در چه راهی به کار گرفته است. از بهترین دوران عمر که می‌تواند بار و بنه فراوان برچیند (یعنی جوانی) می‌پرسند که چگونه از بهار عمر، بهره‌برداری کرده است. از مالش می‌پرسند که آن را از چه راهی به دست آورده و در چه طریقی مصرف کرده است. در پایان نیز می‌پرسند که آیا عشق و محبت اهل بیت علیهم‌السلام را در تار و پود وجود خود تنیده یا از آن فاصله گرفته و جاده گمراهی را پیموده است. به هر حال، سعادت و شقاوت هر کس در گرو پاسخی است که در چنته دارد. پیامبر خدا، محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ

أَرْبَعُ: عَنْ عُمَرِهِ فِيمَا أَقْنَاهُ وَ عَنْ شَبَابِهِ فِيمَا
 أَبْلَاهُ وَ عَنْ مَالِهِ مِنْ آيِنِ اكْتَسَبَهُ وَ فِيمَا أَنْفَقَهُ وَ
 عَنْ حُبِّنَا أَهْلِ الْبَيْتِ.^۱

روز قیامت، هیچ بنده‌ای قدم از قدم بر
 نمی‌دارد تا اینکه چهار چیز از او پرسیده شود:
 از عمرش که در چه کاری آن را گذرانده است؛
 از جوانی‌اش که در چه کاری آن را صرف کرده
 است؛ از مالش که آن را از کجا به دست آورده
 و در چه موردی خرج کرده است و از محبت ما
 اهل بیت.

پرسش‌گری

اساساً هر پرسشی که از اهل آن پرسیده شود، بر
 دانسته‌های آدمی افزاید و درجه‌ای هم نزد خالق
 هستی می‌یابد. اگر انسان رنج پرسیدن را بر خود
 هموار کند، در پرتو نور و روشنائی دانش، آرامش
 می‌یابد. پرسیدن، عیب نیست و چیزی از مقام و

۱. بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۵۸؛ ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۵.

مرتبه او نمی‌کاهد، بلکه ندانستن، عیب است. آدمی هیچ‌گاه نباید به خاطر حیای نابجا، لذت دانستن را از دست بدهد. پس شایسته است در هر موقعیتی، پرسش‌های خود را با عالمان مطرح کنیم.

پرسش می‌تواند منشأ علم و کمال شود و اسلام هم همگان را به پرسشگری فرا می‌خواند، ولی پرسش‌های نهفته در ذهن آدمی، کارگشا نیست. عیب‌های آدمی با پرسشگری رفع و با هر پرسشی، گنجینه دانش دانشمندان به سوی دیگران گشوده می‌شود و آنان شایسته برخورداری از پاداش معنوی می‌شوند. چه بسا افراد دیگری نیز همین پرسش را دارند که با پاسخ عالم، جان خویش را از جام دانش سرشار می‌سازند. بر این اساس، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

اَلْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَ مَفَاتِيحُهُ السُّؤَالُ، فَاسْأَلُوا
رَحِمَكُمُ اللّٰهُ فَاِنَّهُ تُؤَجَّرُ اَرْبَعَةٌ: السَّائِلُ وَ
الْمُتَكَلِّمُ وَ الْمُسْتَمِعُ وَ الْمُحِبُّ لَهُمْ.^۱

دانش، گنجینه‌ها و پرسیدن کلیدهای آنها است. پس پرسید. خدا رحمت کند شما را؛ زیرا در این بین، چهار نفر پاداش می‌برند: پرسنده، پاسخ‌گو، شنونده و دوستدار آن.

پرهیز از نجوا

اگر خواستید سخنی خصوصی را به کسی بگویید، سعی کنید گفت‌وگوی‌تان در حضور دیگران، نجواگونه نباشد؛ زیرا در این حالت، اطرافیان می‌پندارند درباره آنان صحبت می‌کنید یا اینکه شما، آنان را غریبه فرض کرده و سخن‌تان را با ایشان در میان نگذاشته‌اید. در نتیجه، بدگمانی پدید می‌آید و رشته محبت و دوستی از هم گسیخته خواهد شد. شایسته است از گفت‌وگوهای خصوصی در حضور دیگران پرهیزیم تا زیان‌های روحی به دیگران وارد نیاید. پیامبر گرامی اسلام نیز در هشدار می‌فرماید:

إِذَا كَانُوا ثَلَاثَةً فَلَا يَتَنَاجَوْنَ إِثْنَانِ دُونَ الثَّالِثِ.^۱

وقتی سه تن با هم هستند، دو نفرشان جدا از
سومی نجوا نکنند.

پشتکار

بعضی افراد با اینکه هوش و استعداد کافی دارند و
زمینه‌های رشد و تعالی نیز برای آنان فراهم است،
ولی پیشرفت چندانی ندارند. این ناکامی بیشتر به
دلیل نداشتن همت و پشتکار کافی است. در مقابل،
افراد بی‌استعدادی را می‌بینیم که با پشتکار و تلاش و
پی‌گیری همه جانبه به بهترین موفقیت‌ها دست
می‌یابند. باری، آدمی با پشتکار می‌تواند بسیاری از
ضعف‌ها و ناتوانی‌های خود را جبران کند و به
پیروزی‌های عالی دست یابد. رسول الله ﷺ در
تشویق به پی‌گیری و تلاش می‌فرماید:

مَنْ يُدِمُّ قَرْعَ الْبَابِ يُوشِكُ أَنْ يُفْتَحَ لَهُ.^۱

هر کس به کوفتن در ادامه دهد، در را به سوی
او بگشایند.

پناهگاه نیازمندان

بعضی از انسان‌ها نزد مردم جایگاهی بس ارزشمند دارند و مردم در رفع مشکلاتشان به سوی آنان می‌شتابند. این توفیقی ربّانی است که شامل حالشان شده است تا گشایشگر گره‌های کور زندگی دیگران باشند. زمانی که به این اشخاص مراجعه می‌کنیم، با نهایت احترام و عزّت با دیگران برخورد می‌کنند، به گونه‌ای که فرد احساس حقارت نمی‌کند، بلکه آنان را چون برادرانی مهربان می‌بیند. این بزرگواران، بی‌اعتنا از کنار مشکلات دیگران نمی‌گذرند، بلکه خود به سویشان می‌شتابند و رنج سؤال را از دوش آنان برمی‌دارند. آنان از کمک به دیگران شادمانند و رفع خواسته‌های دیگران را تحفه‌ای رحمانی می‌شمارند. چه سعادت‌ی از این بهتر که آدمی، پناه‌گاهی برای دیگران باشد؛ تکیه‌گاهی مطمئن که خود به پناه‌گاهی قدرتمند پیوسته است. پیامبر اکرم ﷺ درباره چنین انسان‌هایی می‌فرماید:

إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا يَفْزَعُ إِلَيْهِمُ النَّاسُ فِي حَوَائِجِهِمْ،
أُولَئِكَ هُمُ الْآمِنُونَ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ.^۱

خداوند بندگان دارد که مردم در نیازمندی‌ها و مشکلاتشان به آنان مراجعه می‌کنند و پناه می‌برند. آنان در روز قیامت از عذاب خدا ایمن هستند.

پندآموزی از درگذشتگان

رفتن به گورستان و اندیشیدن درباره فرجام کار، انسان را متوجه سرنوشت آینده خود می‌کند و با اندکی تأمل، پی می‌برد که دوران خوشی‌ها و ناخوشی‌ها به سرعت ابر و باد در گذر است. باری، آنچه انسان را به سعادت و سربلندی می‌رساند، رفتار نیک اوست. پس نیکوست که از گذر ایام و سرگذشت مسافرانی که به سرای آخرت شتافته‌اند، عبرت گیریم و خود را برای این سفر خطیر آماده کنیم. پیامبر بزرگوار اسلام درباره اهمیت پندآموزی از درگذشتگان می‌فرماید:

إِطْلَعْ فِي الْقُبُورِ وَ اعْتَبِرْ بِالنُّشُورِ.^۲

در قبرها بنگر و از روز رستاخیر پند بگیر.

پند و اندرز

هیچ کس نباید خود را از نصیحت بی‌نیاز بداند. چه بسا بزرگانی که به دلیل بی‌توجهی، دچار لغزش می‌شوند، به راهنمایی نیاز دارند. در حکومت اسلامی، مسئولان ارشد و عالی رتبه نیز باید خود را از اشتباه مصون ندانند و در همه حال، پذیرای راهنمایی اهل منطق باشند. همچنین اگر مردم، سیاست‌مداران یا حاکمان خود را در لغزش و اشتباه ببینند، باید به نصیحت آنان بپردازند. بنابراین، همگان وظیفه دارند تا با نصیحت یکدیگر، راه از چاه باز شناسند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

إِذَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ نُصْحًا فِي نَفْسِهِ
فَلْيَذْكُرْهُ لَهُ.^۱

اگر کسی برای برادر خود نصیحتی در خاطر می‌یابد، باید به او بگوید.



تأخیر در انجام کار

یکی از ویژگی‌های انسان‌های سست اراده این است که با وجود آگاهی از ارزش فرصت‌های زمانی، انجام کارها را به فردا حواله می‌دهند و گاهی تا هفته‌ها، ماه‌ها و سال‌ها از انجام آن خودداری می‌کنند. تأخیر در کار، هیچ توجیهی ندارد و در پایان نیز خود وی زیان می‌بیند؛ زیرا فرصت‌ها هیچ‌گاه تکرار نمی‌شود. گاهی هم کارها چنان انباشته می‌شود که به هیچ وجه نمی‌توان آنها را انجام داد. بر این اساس، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در توصیه‌ای نیکو می‌فرماید:

لَا تَدْعَنَّ حَقًّا لِّغَدٍ فَإِنَّ لِكُلِّ يَوْمٍ مَا فِيهِ.^۱

کاری را برای فردا مگذار؛ زیرا هر روزی را کاری هست.

تحقیر دیگران

هر انسانی برای خود احترام قائل است و هرگز نمی‌خواهد دیگران، او را تحقیر کنند. چگونه انسان مسلمان حاضر می‌شود روح و روانِ برادر دینی خود را آزرده سازد؟ به راستی، انسانی که شخصیت والا و روحی لطیف و پاک دارد، هرگز حاضر نیست به دیگران اهانت کند و آنان را بی‌ارزش و حقیر سازد. چنین کاری، مخالفت صریح با دستور پیامبر اسلام است که می‌فرماید:

أَذْلُ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ.^۱

خوارترین مردم کسی است که به مردم اهانت کند.

تدبیر و خویش‌داری

انسان در صورت از دست دادن روحیه خود، روز به روز و لحظه به لحظه در منجلاب تباهی‌ها فرو خواهد رفت. بی‌تردید، اگر انسان به خود تلقین کند

که نیروی فوق‌العاده‌ای دارد و می‌تواند با تلاش و پشتکار و همت بلند خویش بر ناکامی‌ها چیره شود، به پیروزی‌های چشم‌گیری دست خواهد یافت. برعکس، اگر خود را کوچک شمارد، در برابر کوچک‌ترین مشکلی، تاب مقاومت را از دست می‌دهد و شکست را پذیرا خواهد شد. پس بکوشیم به کمک همت بلند انسانی، با نابسامانی‌ها و حوادث به مبارزه برخیزیم و خویشتن‌دار باشیم. پیامبر گرامی اسلام در این باره فرموده است:

لَا عَقْلَ كَالْتَّذِيرِ وَلَا وَرَعَ كَالْكَفِّ^۱.

عقلی، مانند تدبیر و تقوایی چون خویشتن‌داری نیست.

ترویج فساد

بنیان‌گذار هر مکتب و ایده‌ای، عامل اساسی در ترویج آن سنت و ایده است. چه بسا کسانی که مکتبی را تأسیس و در طول تاریخ، افراد زیادی از آن

مکتب پیروی می‌کنند. این اشخاص ممکن است سنت نیکویی را پایه‌گذاری کنند یا راه غلطی را به دیگران رهنمون شوند. بی‌شک، هر ایده‌پردازی به پیروانی نیاز دارد که افکار او را تبلیغ کنند و آن را در میان مردم رواج دهند. افرادی که فکر نادرست یا کردار زشتی را در میان دیگران رواج می‌دهند، در فرهنگ‌سازی غلط، نقش فراوانی دارند. آنها می‌کوشند تا روز به روز افراد دیگری را در مسیر راه و رسم نادرست هم‌فکران خود قرار دهند و آنان را از جاده سلامت خارج سازند. اگر نبود تلاش‌های این افراد، هیچ‌گاه آن‌گونه که باید و شاید، آن ایده یا فکر نادرست در میان دیگران نهادینه نمی‌شد. پس اگر بنیان‌گذار مکتب انحرافی، گناه‌کار است، ترویج‌گران این ایده‌ها نیز بخشی از مسئولیت و بار گناهان را بر دوش می‌کشند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ أَذَاعَ فَاحِشَةً كَانَ كَمُبْتَدِعِهَا.^۱

کسی که گناهی را انتشار دهد، مانند کسی است
که آن را ایجاد کرده باشد.

تظاهر به گناه

گناهی که انسان آشکارا و در حضور دیگران
مرتکب می‌شود، مستوجب مجازات بیشتری
خواهد بود؛ زیرا این کار به معنای بی‌اهمیت دانستن
دستورهای الهی و پشت پا زدن به آنهاست. تظاهر
به گناه، حیا و عفت عمومی را خدشه‌دار می‌کند و
سبب می‌شود تا دیگران برای انجام گناه گستاخ
شوند. در نتیجه، میزان گناه و فساد در جامعه افزایش
می‌یابد و محیط پاک و سالم جامعه اسلامی آلوده
می‌شود. پیامبر گرامی اسلام درباره نکوهش این
ناهنجاری می‌فرماید:

كُلُّ أُمَّتِي مُعَافِي إِلَّا الْمُجَاهِرِينَ.^۱

همه امت من بخشیده خواهند شد مگر
تظاهرکنندگان به گناه.

تظاهر و ریا

ریا، نوعی بیماری است که بعضی از مردم به آن دچار هستند. این افراد در هر کار خیری و در هر عمل مفیدی، به ریا و تظاهر عادت دارند. اینان اگر بدانند در کاری، نام و نشانی از آنها نیست و تعریف و تمجیدی نمی‌شوند، از انجام آن سر باز می‌زنند. این انسان‌های متظاهر، خواه ناخواه در اجتماع شناخته می‌شوند و مردم به نیت‌شان پی می‌برند. آنان عبادت‌ها و رفتارهای خیر خود را به دلیل تظاهر، باطل و بی‌ارزش می‌کنند. در مقابل، شخص با ایمان، با اخلاص کامل، عملش را برای رضای خدا انجام می‌دهد و انتظار تشکر از سوی مردم را ندارد؛ زیرا پاداش الهی، بزرگ و بی‌پایان است. وی به روزی چشم دوخته است که مال و فرزند و متاع دنیوی فایده‌ای ندارد و اخلاص، گشاینده بسیاری از درهای بسته به روی او خواهد بود. بنابراین، کردار نیک خود را با ریا به

هدر نمی دهد. اگر هم نیت بدی از دلش گذشت، به فکر چاره می افتد تا خود را از این بیماری مهلک برهانند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشانه ریاکار را چنین برمی شمارد:

لِلْمُرَائِي ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ: يَنْشَطُ إِذَا كَانَ عِنْدَ
النَّاسِ وَ يَكْسَلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ وَ يُحِبُّ أَنْ
يُخَمَدَ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ.^۱

شخص ریاکار سه نشانه دارد: وقتی که میان مردم است، با نشاط است؛ هنگامی که تنهاست، کسل است و دوست دارد که در همه کارها از او ستایش شود.

تلاوت قرآن

آدمی در طول زندگی و در رویارویی با مسائل گوناگون مادی به زنگارها و آلودگی هایی دچار می شود که برای زدودن آن، به تصفیه روحانی نیاز دارد. یکی از بهترین راه های تصفیه ناخالصی ها،

تلاوت قرآن است. قرآن، گوهر گران‌بهایی است که با هر چه برخورد کند، به آن رنگ خدایی می‌دهد و ناخالصی‌ها را به نورانیت و صفا تبدیل می‌کند. در حقیقت، کلام قرآن، معجون شفابخش و داروی هر دردی است که خدای بزرگ، آن را برای تصفیه دل‌های بیمار قرار داده است. با شنیدن آیات الهی، نورانیت به قلب انسان وارد می‌شود و معنویت خاصی، سراسر وجود آدمی را فرا می‌گیرد و احساس آرامش و آسایش به او دست می‌دهد. پس بیایم ساعتی از شب یا روز را به این مهم اختصاص دهیم که پیامبر اسلام فرموده است:

إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَصُدُّ كَمَا يَصُدُّ الْحَدِيدُ. قِيلَ
فَمَا جَلَاءُهَا؟ قَالَ: ذِكْرُ الْمَوْتِ وَ تِلَاوَةُ
الْقُرْآنِ.^۱

دل‌ها مانند آهن زنگ می‌زند. گفتند: «صیقل آن چیست؟» گفت: «یاد مرگ و خواندن قرآن».

تنفر از گناه

ممکن است انسان بر خلاف میل خود ناگزیر شود در محل معصیت یا جایی که گروهی در آنجا گناه می‌کنند، حضور یابد. در چنین شرایطی، اگر احساس ناراحتی به او دست دهد و مایل باشد که هر چه زودتر آنجا را ترک گوید، باید به خود و ایمانش امیدوار باشد، ولی اگر از بودن در آنجا احساس ناراحتی نمی‌کند و چه بسا با آنان هم‌گام شود یا در درون خود خوشحال است، باید به حال خود متأسف باشد. باید بدانیم اگر شخصی در جمع معصیت‌کاران باشد و از این توقف احساس ناراحتی کند، مانند کسانی است که در آن شرکت نداشته‌اند. برعکس، اگر قلب و فکر او، با مجالس لهو و لعب باشد و از حضور در آن احساس شادمانی کند، مانند حاضران در آن است. پیامبر ارجمند اسلام می‌فرماید:

مَنْ حَضَرَ مَعْصِيَةً فَكَأَنَّمَا غَابَ عَنْهَا وَ

مَنْ غَابَ عَنْهَا فَرَضِيهَا فَكَأَنَّهُ حَضَرَهَا.^۱

هر کس ناظر گناهی باشد و از آن متنفر شود،
مانند کسی است که در آنجا نیست و هر کس در
محل گناه نباشد و از آن راضی باشد، مانند
کسی است که در آنجا حضور دارد.

توکل به قدرت الهی

انسان از نظر جسمانی، از بسیاری موجودات دیگر
ضعیف‌تر است، ولی از نظر قدرت اراده و استعداد،
اشرف مخلوقات است. همین قدرت روحی سبب
شده است تا خداوند، موجودات دیگر را به تسخیر
او درآورد. انسان با قدرت اراده، زمین و آسمان و
آنچه را در آن وجود دارد، تا حدودی به سیطره خود
درآورده است. آن گاه که انسان به قدرت بی‌پایان
الهی می‌پیوندد و پای خود را از محدوده زندگی
مادی فراتر می‌نهد، این توانایی افزایش می‌یابد. در
این حال، خود را از هر چیز جز قدرت الهی بالاتر

می بیند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در توجه دادن و پیوند داشتن به این رشته مستحکم الهی می فرماید:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ.^۱

هر کسی دوست دارد از همه مردم قوی تر باشد، باید به خدا توکل کند.

تهمت دزدی

بعضی مال باختگان پس از دزدیده شدن اموالشان، به هر کس بخواهند تهمت می زنند. آنان بدون تحقیق کافی و استدلال منطقی، بی درنگ دادگاه غیابی تشکیل می دهند و آبروی دیگران را بر باد می دهند، در حالی که هتک حیثیت یک انسان آبرومند در دید شرع و عرف خطاست. آبروی افراد نباید بازیچه پندارهای ناصواب ما شود. پس در چنین مواردی، فرد باید تعادل روحی خود را حفظ کند و اگر دلیل و مدرک مستندی دارد، به دادگاه صالح مراجعه کند، نه

اینکه با هیاهو، حقوق دیگران را پای مال سازد.
پیامبر اکرم ﷺ در نکوهش چنین رویه‌ای می‌فرماید:

لَا يَزَالُ الْمَشْرُوقُ مِنْهُ فِي تَهْمَةٍ مَنْ هُوَ بَرِيٌّ
مِنْهُ حَتَّى يَكُونَ أَكْثَرُ جُزْأً مِنَ السَّارِقِ.^۱

دزد زده کسانی را که از دزدی بی‌خبرند، آن
قدر تهمت می‌زند که گنااهش از خود دزد
بیشتر خواهد شد.





ثروت‌مندان بی تفاوت

ثروت‌مندان در برابر درماندگان وظیفه سنگینی بر عهده دارند و نباید به بهانه‌های واهی از این تکلیف الهی - وجدانی شانه خالی کنند. اگر هم نمی‌خواهند به دیگران کمک کنند، با برچسب‌هایی همچون دروغ‌گو، دارا، شیاد، کلاه‌بردار، تنبل و مانند آن، دیگران را نرنجانند. توانگران نباید به ثروت‌های بی‌شمار خود مغرور شوند. چه بسا ممکن است در حادثه‌ای، همه دارایی‌شان را از دست بدهند یا به دلیل بیماری و از دست دادن سلامتی، هیچ یک از سرمایه‌های دنیایی برایشان سودمند نیافتد. آیا بهتر نیست به شکرانه بازوی توانا و دارایی خدادادی، به یاری ناتوانان بشتابند و بدانند که این‌گونه اعمال نه تنها از ثروت‌شان نمی‌کاهد، بلکه خوش‌نامی دنیا و آخرت را برایشان به ارمغان می‌آورد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

در نكوهش ثروت‌مندان بی تفاوت می‌فرماید:

وَيْلٌ لِلْأَغْنِيَاءِ مِنَ الْفُقَرَاءِ.^۱

وای بر توانگران [به دلیل رسیدگی نکردن به]
نیازمندان.





جبران نیکی

پاسخ دادن به احسان دیگران، نشانه ادب و بزرگی آدمی است، ولی شیوه پاسخ‌گویی به توان آدمی بستگی دارد. اگر کسی می‌تواند، به هدایای مالی مردم پاسخ مالی بدهد، نباید از آن دریغ ورزد. اگر هم توانایی این کار را نداشته، باید قدردانی و سپاس‌گزاری خود را حتی با زبان و سخن ابراز کند. چنین پاسخی بازتاب‌های خوبی هم برای خود فرد و هم برای هدیه‌دهنده در پی دارد. سپاس‌گزار با این کار، احساس سبکی و آرامش می‌کند و احسان‌کننده نیز به کار خیر تشویق می‌شود. به طور کلی، باید دانست کسی که از خوبی‌های دیگران سپاس‌گزاری نکند، در مقابل نعمت‌های بی‌شمار الهی نیز زبان به قدردانی نمی‌گشاید. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره دستورالعمل ویژه‌ای صادر کرده است:

مَنْ أَتَى إِلَيْكُمْ مَعْرُوفًا فَكَافُوهُ، فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا
فَأَثُوهُ فَإِنَّ الثَّنَاءَ جَزَاءٌ^۱

کسی که به شما احسان کرد، آن را جبران کنید و
اگر نتوانستید، تشکر کنید؛ زیرا سپاس‌گزاری،
پاداش و جبران به شمار می‌آید.

جدال همیشگی

بعضی افراد همیشه در فکر جدال و با دیگران در
حال ستیزند و به بهانه‌های واهی، محیط امن
خانواده را به صحنه‌های جنگ و جدال تبدیل
می‌کنند. از همه بدتر اینکه حتی با خود نیز درگیرند
و همیشه زیر لب غرولند می‌کنند. رفتار و گفتار آنان
نشان می‌دهد که در درون خویش با کسی، درگیری
لفظی یا فیزیکی دارند. اینان در خواب آرامش
ندارند و با داد و قال‌های کذایی از خواب می‌پرند و
عرصه را بر خود و همگان تنگ می‌کنند. این افراد
تعادل روحی ندارند. اطرافیان باید با کمک

همدیگر، از انجام دادن کارهایی که آنان را تحریک می‌کند، پرهیز کنند. پیامبر گرامی اسلام، جدال همیشگی را مردود شمرده است و می‌فرماید:

كَفَى بِكَ إِثْمًا أَنْ لَا تَزَالَ مُخَاصِمًا.^۱

همین گناه تو را بس که پیوسته در حال ستیزه‌جویی باشی.

جلب اعتماد مردم

بعضی‌ها آن قدر پاک و باایمانند که دیگران در امور دین و دنیای خود به آنان اعتماد می‌کنند و در گرفتاری‌ها و سختی‌ها، آنان را پشتوانه خویش می‌دانند. بسیار نیکوست که انسان به چنان مرتبه والایی دست یابد که دیگران او را مایه دلگرمی خود بشمارند و اسرار و درخواست‌های خود را با او در میان بگذارند. چنین فردی که برای وجدان و شرافت انسانی احترام قائل است، در هیچ حالی، ارزش‌های معنوی خویش را فدای خواسته‌های زودگذر دنیوی

نمی‌کند. به یقین، خداوند به این افراد که پناه‌گاه و تکیه‌گاه مردمند، نظر لطف دارد و آنان را مشمول رحمت خویش قرار می‌دهد. پیامبر اسلام، اعتماد مردم را مایه خوشبختی انسان می‌داند و می‌فرماید:

كَفَى بِالْمَرْءِ سَعَادَةً أَنْ يُوثِقَ بِهِ فِي أَمْرِ دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ.^۱

در خوشبختی مرد همین بس که در کار دین و دنیایش به او اعتماد کنند.



جلب رضایت الهی

اگر انسان تشخیص دهد که کاری مورد رضایت الهی است، باید با تمام توان در انجام آن بکوشد، هر چند دیگران را ناخوش آید. حتی اگر دیگران به او اعتراض کنند، وی نباید در انجام وظیفه کوتاهی کند. آنچه اهمیت دارد، ترجیح دادن رضایت الهی بر رضایت بندگان است. چنین کرداری از اعتقاد عمیق و ایمان راسخ انسان‌های وارسته ریشه می‌گیرد که

دنیا را بسیار ناچیز و هر حب و بغضی را در برابر خشم و رضای الهی ناپایدار می‌دانند. جلب رضایت الهی از توصیه‌های پیامبر گرامی اسلام است. ایشان می‌فرماید:

مَنْ إِيْتَمَسَ رِضَى اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ....^۱

هر کس رضای خدا را بر خشم مردم ترجیح دهد، خداوند از او راضی می‌شود....



جواب نامه

بعضی افراد در پاسخ دادن به نامه دوستان و آشنایان درنگ می‌کنند یا نامه را برای زمانی طولانی یا برای همیشه بی‌پاسخ می‌گذارند. وقتی کسی نامه‌ای می‌نویسد، در انتظار پاسخ است و پاسخ ندادن، نوعی سهل انگاری و بی‌توجهی به نویسنده نامه است. چه بسا در نامه درخواستی داشته باشد که با

پاسخ‌گویی به آن، تکلیف کار معلوم شود و فرد بتواند خواسته خود را از راه دیگری تأمین کند. بر این اساس، پیامبر اسلام می‌فرماید:

إِنَّ لِجَوَابِ الْكِتَابِ حَقًّا كَرَدُ السَّلَامِ.^۱

به درستی که پاسخ نامه لازم است، همان‌گونه که پاسخ سلام واجب است.





چشم داشتن به مال دیگران

چه خوب است که انسان به فکر کار خویش باشد و فکر و ذهنش را به کار و مال دیگران ندوزد؛ زیرا این کار، نه تنها سودی برای وی ندارد، بلکه سبب اختلال روحی او می‌شود و از وقت و انرژی او می‌کاهد. بدین ترتیب نیرویی را که می‌تواند در توسعه زندگی خود به کار گیرد، در خیال‌ها و اوهام هزینہ می‌کند. موضوع اینکه فلانی چه می‌کند، چه معامله‌ای انجام داده، چقدر سود برده و چقدر مال و منال اندوخته است، نه تنها فایده‌ای ندارد، بلکه مایه نگرانی فرد می‌شود و گاهی درصدد مقایسه برمی‌آید. گاهی هم دچار تردید در روزی‌رسانی خداوند می‌شود و به همین سبب، خود و دیگران را سرزنش می‌کند. رسول الله ﷺ در این باره می‌فرماید:

مَنْ مَدَّ عَيْنَيْهِ إِلَى مَا فِي آيْدِي النَّاسِ مِنْ

دُنْيَاهُمْ طَالَ حُزْنُهُ وَ سَخَطَ مَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ مِنْ
رِزْقِهِ وَ تَنَغَّصَ عَلَيْهِ عَيْشُهُ.^۱

کسی که به مال و منال مردم چشم داشته باشد،
غم و اندوه او طولانی می شود و از رزقی که
خدا برای او مقرر فرموده است، خشم ناک
می گردد و زندگی برای او تیره می شود.





حفظ آبرو

آبرو برای هر انسانی مسئله با اهمیتی است که برای حفظ آن حاضر است جان خود را فدا کند. آبروی انسان، بزرگ‌ترین تکیه گاه شخصیت اوست، ولی متأسفانه در بعضی موارد، بجا یا نابجا، چنان آبروی افراد بر باد می‌رود که تا پایان عمر از زیر بار سنگین بی‌آبرویی خارج نمی‌شوند. در این حال فکر می‌کنند همه حیثیت آنان لکه‌دار شده است و زیانزد خاص و عام گشته‌اند. به این دلیل از ارتباط با مردم دست می‌کشند و خود را از دیگران پنهان می‌سازند. چه پسندیده است حتی در مواردی که فرد، اشتباهی انجام داده است، گونه‌ای با او رفتار شود که آبرویش محفوظ بماند. به یقین، اگر کسی، حیثیت بی‌گناهی را بی‌دلیل لکه‌دار کند، خود نیز به خواری خواهد افتاد. پیامبر بزرگوار اسلام درباره حفظ آبروی

برادران دینی می فرماید:

مَنْ رَدَّ عَنْ عِرْضِ أَخِيهِ رَدَّ اللَّهُ عَنْ وَجْهِهِ
النَّارَ.^۱

خدا، آتش را از چهره کسی که از آبروی برادر
دینی خویش دفاع کند، باز می دارد.

حق کشی

برخی افراد، تنها و تنها به منافع خویش می اندیشند
و برای به دست آوردن سود بیشتر می کوشند از
راه های گوناگون، اموال و حقوق دیگران را از چنگ
آنان بیرون آورند. این افراد، گاهی مستقیم و زمانی
غیرمستقیم، برای اجرای این مقاصد شوم، نقشه های
گوناگونی طرح می کنند تا صاحب حق را به
چشم پوشی از حق خویش وادار کنند. طول دادن،
امروز و فردا کردن و به تأخیر انداختن حق یا کار
مردم به منظور خسته کردن و گذشتن از حق خویش

از این نقشه‌های فریب‌کارانه به شمار می‌رود. پیامبر گرامی اسلام در نکوهش این عمل ناپسند می‌فرماید:

وَيْلٌ لِّمَنْ اسْتَطَالَ عَلَىٰ مُسْلِمٍ فَانْتَقَصَ حَقَّهُ.^۱

وای بر کسی که حق مؤمنی را به تدریج می‌خورد.

حل اختلاف

رفع اختلاف، از بهترین کارهایی است که مورد رضای خداوند و مخلوقات اوست. این اختلاف‌ها ممکن است در سطح خانواده به وجود آید که اگر ریشه‌دار شود، سبب از میان رفتن بنیان‌های خانوادگی می‌گردد. چنانچه اختلاف در سطح اجتماع باشد، زیان‌های آن به مراتب بیشتر است. البته گاهی طرفین دعوا از کرده خود پشیمان می‌شوند و انتظار دارند کسی با میانجی‌گری، آنان را آشتی دهد و محبت و مودت پیشین را به آنان

بازگرداند. رسول گرامی اسلام در این باره می فرماید:

أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ.^۱

بهترین صدقه، اصلاح و آشتی میان دو نفر است.

حلال و حرام

برخی می پندارند برای رسیدن به مقام های معنوی، باید بسیاری از نعمت های پروردگار را بر خود حرام کنند و از آنها بهره نگیرند. از این رو، می کوشند با پرهیز از خوردنی ها و نعمت های گوناگون خداوند، بر خود و خانواده خویش، سخت گیری کنند. چنین رفتاری، آنان را به مراتب قرب معنوی نمی رساند، بلکه به چاه کفران و گمراهی درخواهد افکند. رشد مادی و معنوی، به سلامت مزاج و روح آدمی بستگی دارد و این مسئله، هنگامی برای او فراهم می آید که در مسیر طبیعی و در چارچوب حلال و حرام الهی، گام بردارد. سخت گیری بی مورد، روح و

جسم انسان را بیمار و به کسالت و ملال دچار می‌کند. در نتیجه، پیمودن مسیر تعالی بر او ناممکن می‌شود. پیامبر رحمت در تشبیه هشدار دهنده‌ای می‌فرماید:

إِنَّ مُحَرَّمَ الْحَلَالِ كَمُحَلِّلِ الْحَرَامِ.^۱

کسی که حلال خدا را حرام می‌کند، مانند کسی است که حرام خدا را حلال می‌کند.



حیا و ایمان

حیا با فلسفه وجودی انسان، پیوندی دیرینه دارد. از نظر اسلام کسی که حیا ندارد، دین ندارد؛ زیرا دین می‌کوشد تا انسان، به اخلاق و رفتار انسانی آراسته شود، در حالی که شخص بی‌حیا، از این هدف فرسنگ‌ها فاصله دارد. البته حیا به این معنا نیست که انسان به گونه‌ای سر به زیر باشد که در هر جا فریب بخورد یا توان پرسش از مشکلات خود را نداشته باشد یا نتواند از حقوق خود پاسداری کند. اسلام

چنین حیایی را مردود می‌شمارد. انسان با حیا کسی است که در گفتار و کردار، ادب و نزاکت را رعایت و در زمان مناسب، از منافع دنیوی و اخروی خود دفاع کند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله:

الْحَيَاءُ وَالْإِيمَانُ قُرْنَانِ جَمِيعًا فَإِذَا رُفِعَ أَحَدُهُمَا
رُفِعَ الْآخَرُ.^۱

حیا و ایمان قرین یکدیگرند. وقتی یکی رفت، دیگری هم خواهد رفت.





خبر ناموثق

بعضی افراد به محض اینکه خبری را شنیدند، بدون آگاه شدن از درستی یا نادرستی اش، آن خبر را برای دیگران نقل می کنند و به گونه ای رفتار می کنند که انگار خود شاهد ماجرا بوده اند و این کار در پیش دیدگان شان انجام شده است. این کار، نشانه بی توجهی و بی دقتی گوینده است و شاید سبب پیدایش اختلاف یا ریختن آبروی دیگران شود. اگر واقعی نبودن خبر آشکار شود، گوینده، احترام و اعتبار خود را نزد دیگران از دست می دهد و از آن پس، مردم حتی اخبار صادقانه او را نیز نامستند و غیر واقعی می پندارند. بنابراین، انسان باید سخنان خود را با دلیل و سند و اطمینان از درستی آن نقل کند تا به پی آمدهای منفی آن دچار نشود. حضرت

محمد ﷺ - آن امین راست گو - می فرماید:

كَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا يَسْمَعُ.^۱

در گناه کار بودن فرد همین بس که هر چه را
می شنود، نقل کند.

خدا ترسی

انسان پرهیزگار در شرایط گوناگون زندگی، خود را
در محضر پروردگار متعال می بیند و خدا را شاهد و
ناظر رفتار خویش می داند. ایمان به خداوند در
اعماقِ جانِ چنین فردی ریشه دوانیده است و رشته
حضور الهی را هیچ گاه گسسته نمی بیند. وی به
هنگام خوشی و ناخوشی، سختی و سادگی،
خداوند را نزدیک ترین یاور خود می داند و همچون
کسانی نیست که تنها در سختی ها به درگاه ربوبی
روی می آورند و پس از حل مشکل، به
خدا فراموشی و خودگرایی مبتلا می شوند. او،
مودت و امنیت الهی را بر جاذبه مال و مقام ترجیح

می دهد و دار قرار را بر دار فرار نمی فروشد. پیامبر گرامی اسلام در این باره می فرماید:

إِتَّقِ اللَّهَ فِي عُسْرِكَ وَ يُسْرِكَ^۱

هنگام سختی و خوشی، خداترس باش.

خداخواهی

مردان خدا می توانند با رفتار پسندیده خود، دیگران را نیز با طریق قرب الهی آشنا کنند. آنان می توانند با سخنان دل نشین و عمیق خود، وجدان خداجو و خداگرای افراد را بیدار سازند و با کردار خود، اسوه عملی دیگران باشند. رفتار خالصانه اهل حق، اکسیری است که قلب بندگان را جلا می بخشد و به محبت و مودت خالق، رهنمون می کند. چه زیبا است انسان به درجه ای از ایمان و یقین برسد که دیگران با دیدن او به یاد خداوند بزرگ بیافتند. همانا اینان رستگارانند. حضرت محمد ﷺ؛ بنده برگزیده خدا که بشریت را از بربریت به معبودی یگانه،

رهنمون ساخت، می فرماید:

حَبِّبُوا اللَّهَ إِلَى عِبَادِهِ يُحِبُّكُمْ اللَّهُ.^۱

خدا را نزد بندگان‌ش محبوب سازید تا او شما را دوست بدارد.

خدمت به مردم

بعضی از مردم برای خدمت به دیگران هیچ علاقه‌ای ندارند و همچون طلب‌کاران در انتظار کمک و یاری دیگران نشسته‌اند. آنان با اینکه امکانات کافی نیز دارند، ولی همچنان منتظر مساعدت بیشتر هستند. از سوی دیگر، با نیکانی روبه‌رو می‌شویم که در راه خدمت به خلق الله، چنان شیفته و از خود باخته‌اند که سر از پا نمی‌شناسند و هر شب به امید آن می‌خوابند که فردا، باری از دوش درمانده‌ای بردارند و دل‌های شکسته‌ای را آرامش بخشند. اینان نه تنها از خدمت به مردم خسته نمی‌شوند، بلکه هر روز در این راه تشنه‌تر می‌شوند.

در حقیقت، آنان محبوب خداوندند که رفع نیاز مردم دردمند به دست آنان سپرده شده است. پیامبر رحمت می فرماید:

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا صَيَّرَ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْهِ.^۱

وقتی خداوند برای بنده‌ای نیکی بخواهد، حاجت مردم را در دست او قرار می دهد.



خشم

اسب سرکش، گاهی اختیار را از سوارش می گیرد و با بی رحمی تمام، او را بر زمین می کوبد و برای مدتی وی را در پی دوا و درمان راهی می کند. حتی ممکن است این سرکشی، به قیمت جان او تمام شود. خشم و غضب نیز همین حالت را دارد؛ یعنی تعادل روحی و روانی آدم را برهم می ریزد و ابزار تعقل او را از کار می اندازد. در این هنگام، تصمیم‌هایی می گیرد که پی آمدهای جبران‌ناپذیری

خواهد داشت. چه بسا انسان‌هایی که برای یک لحظه عصبانیت، سالیان درازی از عمر ارزشمند خود را پشت میله‌های زندان به سر برده و حتی جان خود را از دست داده‌اند. افزون بر این، بر اثر خشم فراوان، آدمی کارهایی انجام می‌دهد یا سخنانی را بر زبان می‌آورد که از وقار او می‌کاهد و چهره اجتماعی و خانوادگی وی را زیر سؤال می‌برد. برای رهایی از چنین پی‌آمدهای زیان‌باری، راهنمایان دینی، آدمیان را به بردباری و مهار خشم و غضب فراخوانده‌اند. مردی به پیامبر اسلام گفت: مرا سفارشی بفرمایید. حضرت فرمود: خشم مکن. بار دیگر عرض کرد: باز هم توصیه‌ای بفرمایید: حضرت باز هم فرمود: خشم مکن. سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرْعَةِ إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي
يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ.^۱

نیرومند آن نیست که دیگری را بر زمین

بگوید، بلکه نیرومند آن است که هنگام خشم
بر نفس خود مسلط باشد.

خواب صبح گاهی

بعضی افراد، صبح گاهان از بستر خواب
برمی خیزند و با نشاطی مضاعف، کار و تلاش را
از سر می گیرند. عده ای دیگر با گذشت زمانی از
روز، همچنان در بستر خود به این سمت و آن
سمت می غلتند و مانند بیماری رنجور، توان
برخاستن ندارند. این سستی، ناشی از پر خوابی
آنان است که به دلیل همین عادت ناپسند، بسیاری
از فرصت ها را از دست می دهند. در حالی که
دیگران بخشی از کارهای روزانه خود را انجام
داده اند، وی با کسالت از خواب برمی خیزد و تا
پایان روز همچنان در سستی باقی می ماند. پس
شایسته است که به توصیه های حضرت
رسول ﷺ عمل کنیم و از خواب بی ثمر چشم
پوشیم. ایشان می فرماید:

الصُّبْحَةُ تَمْنَعُ الرِّزْقَ.^۱

خواب صبح گاهی مانع روزی است.

خواندن نامه دیگران

از عادت های زشتی که در برخی افراد وجود دارد، این است که بی اجازه، نامه دیگران را می خوانند یا در کار دیگران تجسس می کنند. اینان برای توجیه کار نادرست خود می گویند: «من و او نداریم»، «بین ما یگانگی کامل وجود دارد». البته این عذری ناپذیرفتنی است و حتی اگر پدر و فرزند، نامه های همدیگر را بخوانند، ناراحت می شوند؛ زیرا ممکن است مطالبی وجود داشته باشد که صاحب نامه نمی خواهد دیگران از آن آگاه شوند. پیامبر گرامی اسلام با توصیه به ترک چنین کار نکوهیده ای، می فرماید:

مَنْ نَظَرَ فِي كِتَابِ أَخِيهِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ فَكَأَنَّمَا يَنْظُرُ
فِي النَّارِ.^۲

۱. نهج الفصاحه، ش ۱۸۵۷. ۲. نهج الفصاحه، ش ۲۸۴۶.

هر کس بی اجازه برادرش به نامه او نگاه کند،
مانند آن است که در آتش نگریسته است.

خوش بویی

انسان بنا بر طبیعت خود، بوی خوش و نیکو را دوست دارد و از بوی بد بیزاری می جوید. از این رو، همواره می کوشد فضای زیستگاهش عطرآگین باشد و از بوی بد پرهیز دارد. مکتب اسلام، پاکیزگی و بهداشت فردی و اجتماعی را سرلوحه دستورهای ارزشمند خود قرار داده است و بر رعایت آن در مکان های ارزشمند مانند مساجد و زیارتگاه ها بیشتر تأکید می کند؛ زیرا سبب جذب بیشتر مردم به این مکان ها می شود. پیامبر اسلام نیز همیشه خوش بو بود و به دیگران توصیه می فرماید:

إِنَّ خَيْرَ عِبَادِ اللَّهِ الْمُؤَفُّونَ الْمُطِيبُونَ.^۱

بهترین بندگان خدا کسانی هستند که به وعده وفا می کنند و عطر به کار می برند.

خوش رفتاری با خانواده

اعضای خانواده در برابر یکدیگر، وظایف و حقوقی دارند، مانند: تأمین امکانات رفاهی و آسایش و خوش رفتاری متقابل. متأسفانه افرادی یافت می‌شوند که در بیرون از محیط خانه، بسیار خوش اخلاق و خوش برخورد هستند، ولی زمانی که وارد محیط خانواده می‌شوند، بسیار سخت گیرند و مانند انسان‌های خودخواه و پرتوقع، انتظار دارند که دیگران مطیع در بست آنان باشند. اینان هرگز با کسی مشورت نمی‌کنند و برای اعضای خانواده ارزشی قائل نیستند. به سخنان دیگران گوش نمی‌دهند و بی‌حوصله و زورگو هستند. گویی این فرد همان انسان خوش رو و خوش اخلاق بیرون از خانه نیست. اسلام این خصلت ناپسند را بسیار نکوهش کرده است و پیامبر گرامی اسلام برای تأمین ثبات و آسایش خانواده و توصیه به بهترین رفتارها در محیط خانواده می‌فرماید:

خِيَارُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ.^۱

بهترین شما کسانی هستند که برای اهل خود بهترند.

خیرخواهی

انسان مسلمان خود را در غم و شادی دیگران شریک می‌داند؛ یعنی آنچه را برای خود می‌خواهد، برای دیگران نیز خواهان است و آنچه را برای خود آرزو می‌کند، برای دیگران نیز آرزومند است. در این حال، اگر موفقیت و کمالی نصیب دیگران شود، لذت می‌برد و این، اوج خیرخواهی است. مسلمانان عضو خانواده بزرگ اسلامی‌اند و باید در غم و شادی یکدیگر شریک باشند. پس بکوشیم به فرمایش رسول اکرم ﷺ جامه عمل بپوشانیم و چنین احساسی را در خویشتن پدید آوریم، آنجا که می‌فرماید:

أَحِبُّ لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ.^۲

آنچه برای خود می‌پسندی، برای دیگران نیز بخواه.



دانش اندوزی

همه کسانی که به مراتب بالایی از علم و آگاهی رسیده‌اند، از هر فرصتی برای کسب دانش سود جسته‌اند. آنان از مطالبی که دیگران قابل مطالعه نمی‌دانند و به راحتی از کنار آن می‌گذرند، بی‌اعتنا نمی‌گذرند و در راه تحصیل علم، مرارت‌ها و سختی‌های فراوانی را بر خود هموار می‌کنند. آنان با چشم‌پوشیدن از خواب و خوراک، کنار نهادن تکبر و غرور و با فروتنی و احترام در برابر استاد، ساعت‌ها و ماه‌ها و سال‌ها به تعلیم و آموختن نشسته‌اند. در نظر اینان، دانش همانند آب دریا است که هرچه از آن می‌آشامند، همچنان خود را تشنه‌تر و نیازمندتر می‌بینند. پیامبر گرامی اسلام در توصیه به فراگیری دانش می‌فرماید:

أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى
عِلْمِهِ.^۱

دانشمندترین شخص آن است که علم دیگران
را بر علم خود بیافزاید.

دانشجو باید از تنبلی و بی‌کاری دوری کند و با
پشتکار به کسب دانش پردازد. دانشجو باید از هر
فرصتی که پیش می‌آید، بیشترین بهره را ببرد تا
موفقیت لازم را به دست آورد. دانش‌طلبان از شتاب
نکردن در بهره‌گیری از زمان، بیشترین زیان را
می‌بینند؛ زیرا دانشجو باید در طلب علم همچون
تیری از چله کمان رها شود و از اما و اگرها و امروز
و فرداها رها باشد. پیامبر گرامی اسلام که پی‌جویی
و پی‌گیری علم را تا راه‌های دوردست توصیه
می‌کرد، درباره جد و جهد برای فراگیری دانش،
سخنی نیکو به یادگار گذاشته است:

أُغْدُوا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ فَإِنَّ الْغُدَّوَّ بَرَكَهٌ وَ
نَجَاحٌ.^۲

در طلب دانش زودخیز باشید؛ زیرا در
زودخیزی، برکت و کام یابی است.

دانشمندان بی عمل

بعضی از مردم، دیگران را ارشاد و راهنمایی می کنند
و راه خیر و سعادت را به آنان نشان می دهند. آنها را
از زشتی گناه آگاه می کنند و راه خیر و سعادت را
پیش پای آنان قرار می دهند. به طور کلی، مردم در
پرتو دانش و فضل این دانشمندان به رضوان الهی
دست می یابند و سعادت مند و رستگار می شوند، ولی
آن گاه که نوبت به خودشان می رسد و باید به
دانستنی های خود عمل کنند، درمانده می شوند و در
مقام عمل کم می آورند. تو گویی این اندوخته ها را
فقط برای راهنمایی دیگران در مخزن ذهن خود
بایگانی می کنند. این افراد جز حسرت و پشیمانی و
گزیدن زبان های خویش بهره ای ندارند.
پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله درباره وضعیت این عالمان بی عمل
می فرماید:

يُطْلَعُ قَوْمٌ مِّنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ إِلَى قَوْمٍ مِّنْ أَهْلِ
النَّارِ فَيَقُولُونَ مَا أَدْخَلَكُمُ النَّارَ وَ قَدْ دَخَلْنَا
الْجَنَّةَ لِفَضْلِ تَأْدِيبِكُمْ وَ تَغْلِيمِكُمْ فَيَقُولُونَ إِنَّا
كُنَّا نَأْمُرُ بِالْخَيْرِ وَ لَا تَفْعَلُهُ.^۱

گروهی از بهشتیان به عده‌ای از دوزخیان نظر
می‌افکنند و می‌گویند: چه کاری شما را به آتش
کشانید در صورتی که ما به برکت تأدیب و
آموزش شما داخل بهشت شده‌ایم. آنان در
پاسخ می‌گویند: ما به نیکی امر می‌کردیم، ولی
خودمان به آن عمل نمی‌کردیم.

دانشمند فاسد

اگر دانشمندی از جاده سلامت خارج شود و از
دانش خود در مسیر نادرست بهره‌برداری کند،
می‌تواند زیان‌های جبران‌ناپذیری برای بشریت
داشته باشد. عالم چون از ظرایف امور آگاه است،
اگر گمراه شود، می‌تواند تعداد زیادی را به ورطه
نابودی بکشد. عالم، راه گمراه کردن مردم را بهتر

می‌شناسد و می‌داند چگونه حقیقت را وارونه و باطل را حق جلوه دهد. امروزه بسیاری از آسیب‌ها و زیان‌های جامعه انسانی بر اثر سوءاستفاده دانشمندان از دانششان رخ می‌دهد. دانشمند، نه تنها می‌تواند فکر مردم را بیمار کند، بلکه از راه دستاوردهای علمی او، گاهی زیان‌های فراوانی متوجه مردم می‌شود. بنابراین، همان‌گونه که یک عالم بافضیلت می‌تواند افراد زیادی را به سوی رستگاری راهنمایی کند تا جامعه انسانی از دانش او بهره بگیرد، عالم گمراه هم منشأ آسیب‌های بسیاری خواهد شد. از پیامبر گرامی اسلام پرسیدند:

أَيُّ النَّاسِ شَرٌّ.

کدام یک از مردم بدترند؟

ایشان فرمود:

الْعُلَمَاءُ إِذَا فَسَدُوا.^۱

دانشمندان هرگاه فاسد شوند.

دانشوری

علم در منطق اسلام، نوری است که پروردگار آن را در قلب‌های مستعدی پروراند و او را به راه راست و بندگی عاشقانه و عارفانه فرا می‌خواند. سعادت و نیک فرجامی آدمی در سایه این دانش به دست می‌آید. علم، آدمی را از تاریکی و ظلمت می‌رهاند و او را به سوی نور و روشنایی رهنمون می‌سازد. آدمی چگونه می‌تواند از این منبع درخشان، روی‌گردان و بی‌بهره بماند، در حالی که در آموزه‌های روایی، پی‌گیری آن حتی در دوردست‌ترین سرزمین‌ها (یعنی چین) سفارش شده است. اصولاً آدمی برای رسیدن به گوهری ارزشمند، تا اعماق زمین و دریاها را می‌کاود و دانش نیز چنین است؛ گوهری ارزشمند و عافیت‌آفرین که هر رنج و زحمتی برای به دست آوردن آن رواست. باید کوشید و لباس زیبای دانش را بر تن کرد و خود را به زیور ارزش‌ها

آراست که اگر چنین شود، منزلت دنیوی و سعادت اخروی نصیب آدمی می‌شود. علم ارزشی، مسیر زندگی را به درستی می‌نمایاند و بهترین یار و یاور آدمی در حل مشکلات و آراستن به فضایل اخلاقی است. انسان دانشمند، بسیار دقیق است و هر چیزی را آن‌گونه که باید، ادا می‌کند. پیامبر دانش‌گستر و دانشمندپرور در فضیلت دانش می‌فرماید:

بِالْعِلْمِ يُطَاعُ اللَّهُ وَ يُعْبَدُ وَ بِالْعِلْمِ يُعْرِفُ اللَّهُ وَ يُوَحِّدُ وَ بِهِ تُوَصَّلُ الْأَرْحَامُ وَ يُعْرِفُ الْحَلَالُ وَ الْحَرَامُ وَ الْعِلْمُ إِمَامُ الْعَقْلِ.^۱

با دانش، اطاعت و پرستش خدا انجام می‌گیرد. به واسطه دانش، خداوند شناخته می‌شود و عقیده به یگانگی او پیدا می‌شود. به وسیله دانش، حق خویشان ادا می‌شود و حلال و حرام شناخته می‌گردد و دانش، پیشوای عقل است.

درخواست

تمنا کردن از دیگران، از شخصیت و بزرگی آدمی می‌کاهد. بر این اساس، اسلام برای تکریم شخصیت انسانی، دستور داده است تا آنجا که می‌توانید دست نیاز به سوی این و آن دراز نکنید. در حقیقت، بی‌نیازی در پس پرده مناعت طبع قرار دارد. کسی که عزت نفس و بزرگی دارد، هیچ‌گاه به خاطر تأمین اندکی از نیازهای خود، رنج خواهش از دیگران را بر خود هموار نمی‌کند و خود را پیش دیگران خوار و کوچک نمی‌سازد. عملکرد معصومین ما در قناعت و درخواست نکردن بسیار آموزنده است. آنان هیچ‌گاه برای به دست آوردن چیزی از دیگران مطالبه نمی‌کردند و بردباری پیشه می‌کردند تا در زمان مناسب به خواسته مشروع خود دست پیدا کنند. فقر و غنا به داشتن مال و منال نیست، بلکه چه بسیار فقیرانی که در حقیقت، استغنای نفس داشته‌اند و بزرگند و چه دارندگانی که هنوز هم دست نیاز به

سوی این و آن دراز می‌کنند. اینان در واقع، خود به نوعی فقر و نیازمندی دچارند که در ظاهر دیده نمی‌شود. به راستی ما جزو کدام دسته‌ایم؟

پیامبر ارجمند اسلام درخواست کردن غیر ضروری را نشانه فقر می‌شمارد و می‌فرماید:

قِلَّةُ طَلَبِ الْخَوَائِجِ مِنَ النَّاسِ هُوَ الْغِنَى
الْحَاضِرُ وَكَثْرَةُ الْخَوَائِجِ إِلَى النَّاسِ مَذَلَّةٌ وَهُوَ
الْفَقْرُ الْحَاضِرُ.^۱

کم خواهش کردن از مردم، بی‌نیازی حاضر و زیاد خواهش کردن از مردم، خواری و فقر حاضر است.

دروغ‌گویی

دروغ یکی از انحراف‌های شدید اخلاقی است. دروغ گو پیوسته دچار تشویش و نگرانی است و بیم آن دارد که حقیقت مطالب آشکار و او رسوا شود. بر اثر کشف حقایق، شرافت ذاتی دروغ گو از دست

می رود و وی نزد دیگران حقیر و ناچیز می شود. دروغ گویی از صفات ناپسندی است که در همه آیین ها عامل انحطاط شخصیت فرد و آسیب اجتماعی شمرده شده است. هر کس راست گوتر باشد، سخن مردم را زودتر باور می کند و هر که دروغ گوتر است، بیشتر مردم را دروغ گو می شمارد. از روایات معصومین برمی آید که درمان دروغ گویی بر بهسازی روحی و معنوی آدمی تأثیر فراوانی دارد. در حقیقت، وقتی آدمی، مادر زشتی ها را ترک می کند، رفته رفته کاستی های اخلاقی دیگر را نیز از خود دور می سازد. پیامبر بزرگوار اسلام با تأکید بر پرهیز از دروغ می فرماید:

إِيَّاكَ وَالْكَذِبَ فَإِنَّ الْكَذِبَ يُسَوِّدُ الْوَجْهَ، ثُمَّ يُكْتَبُ عِنْدَ اللَّهِ كَذَاباً وَ إِنَّ الصَّدْقَ يُبَيِّضُ الْوَجْهَ وَ يُكْتَبُ عِنْدَ اللَّهِ صَادِقاً وَ اعْلَمْ أَنَّ الصَّدْقَ مُبَارَكٌ وَ الْكَذِبُ مَشْؤُومٌ.^۱

از دروغ پرهیز؛ زیرا دروغ، رو را سیاه می کند و

سپس مرتکب آن، نزد خداوند دروغ گو نوشته می شود و راست گویی، رو را سفید می کند و نزد خداوند راست گو نوشته می شود و بدان که راست گویی، مبارک و دروغ گویی، شوم است.

دعا در غیاب دیگران

دعاهایی که در نبود افراد، در حق آنان انجام می شود، بسیار به اجابت، نزدیک و نشان دهنده کمال اخلاص دعا کننده است؛ زیرا ممکن است دعاهایی که در حضور دیگران انجام می شود، با شایبه ریا و جلب اعتماد و رضایت ذی نفع همراه باشد. به یقین، چنین اعمالی نزد پروردگار متعال، هیچ ارزشی نخواهد داشت. دعا کننده در دعاهای پنهانی که تنها برای رضایت الهی است، دعا را حتی پس از اجابت نیز فاش نمی سازد تا ذی نفع متوجه نشود که با چه واسطه ای، مورد لطف خداوند قرار گرفته است. پیامبر اسلام، عمل خالصانه را گران سنگ ترین و با ارزش ترین اعمال می داند و می فرماید:

أَسْرَعُ الدُّعَاءِ إِجَابَةً دَعَاءُ غَائِبٍ لِّغَائِبٍ.^۱

سریع ترین دعا که اجابت می شود، دعای غایب برای دیگری است.

دعوت به گمراهی

هر کس مسئول رفتار و گفتار خویش است، ولی گاهی انسان با گفتار یا رفتار خویش در گناه یا ثواب دیگران شریک می شود و آن در صورتی است که فرد، دیگران را به انحراف بکشاند. برعکس، چنانچه انسان، دیگران را به کار و سنت نیکو فرابخواند تا به سعادت دنیا و آخرت برسند، در ثواب عمل کنندگان نیز شریک خواهند بود. پس مبادا که با گفتار و کردار خویش، دیگران را گمراه کنیم؛ زیرا در آن صورت، عذابی دردناک در انتظارمان خواهد بود. رسول گرامی اسلام در این باره می فرماید:

أَيُّمَا دَاعٍ دَعَا إِلَى ضَلَالَةٍ فَاتَّبِعَ فَإِنَّ عَلَيْهِ مِثْلَ

أَوْزَارٍ مِّنِ اتِّبَاعِهِ...^۱

هر کس که مردم را به گمراهی بخواند و از او پیروی کنند، گناهی مثل گناه عمل کنندگان به آن خواهد داشت...

دگرگونی های زندگی

زندگی همیشه یکنواخت نیست، بلکه همیشه با تغییر، دگرگونی و فراز و نشیب هایی همراه است. انسان اندیشمند از تحول های مثبت و منفی روزگار، درس زندگی می آموزد و درمی یابد که چه عواملی در شکست یا پیروزی اثرگذار است. از طبیعت بی جان که بارویش جوانه ها و دمیدن روح بهار، طراوت و سرزندگی می یابد و از پایدار نبودن جاه و مقام ها، به ماهیت این سرای گذر، پی می برد. در نتیجه، از خواب غفلت برمی خیزد و خود را برای روزی آماده می کند که مال و فرزند به یاری انسان نمی شتابند. بلکه قلب سلیم و پرهیزگاری، دستگیر انسان است. پیامبر اسلام، کسانی را که از گذر زمان و فراز و فرودهای روزگار پند

نمی گیرند، نکوهش می کند و می فرماید:

أَغْفَلُ النَّاسِ مَنْ لَمْ يَتَّعِظْ بِتَغْيِيرِ الدُّنْيَا مِنْ حَالٍ
إِلَى حَالٍ^۱

غافل ترین مردم کسی است که از دگرگونی های
دنیا پند نگیرد.

دنیاگرایی

مردم دنیا پرست بسیارند و افراد دنیا دار هم بی شمار. تمام فکر این افراد در دایره مادیات سیر می کند و اندیشه آنان از شهوت ها فراتر نمی رود. اگر از دین سخن می گویند، بسیار سطحی و گذرا است. آنان دین را هم وسیله دست یابی به اهداف دنیوی خویش قرار داده اند. اگر میان دین و دنیایشان تزاحمی پیش آید و مجبور شوند یکی را برگزینند، حتماً در پی دنیا خواهند رفت. در صورت به مخاطره افتادن دینشان، هیچ حساسیتی نشان نمی دهند و بی اعتنا از کنار آن می گذرند، ولی شتابان

به دور دنیا می چرخند و تمام نیروی خود را به کار می گیرند تا توشه دنیایی را به دست آورند. حتی در این راه از ستمگری و حق کشی، نیرنگ و مانند آن هم روی گردان نیستند. آنان نمی دانند که چه گوهرهای ارزشمندی را در راه به دست آوردن مال ناچیز دنیا هدر داده اند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برای پیش گیری از این وضعیت اجتماعی و بر حذر بودن از این گونه افراد می فرماید:

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يُبَالِي الرَّجُلُ مَا
تَلَفَ مِنْ دِينِهِ إِذَا سَلِمَتْ لَهُ دُنْيَاهُ.^۱

زمانی برای مردم پیش خواهد آمد که مردم به تلف شدن دین اهمیتی نمی دهند، هنگامی که دنیای آنها محفوظ و سالم باشد.

دوری از مواضع اتهام

گاهی انسان، خود، شخص محترم و آبرومندی است، ولی به دلیل نشست و برخاست با کسانی که

مورد اتهام هستند، در معرض تهمت قرار می‌گیرد. مردم می‌پندارند او نیز در سلک و پیشه آنان است؛ چون اگر با آنان مخالف بود، به هم‌نشینی با آنان ادامه نمی‌داد. چه بسا ممکن است او فرد درست کاری باشد، ولی به دلیل رفت و آمد با بدان، به تدریج خوی و خصلت آنان را بگیرد و رنگ الهی خویش را از دست بدهد. بنابراین، بسیار شایسته است که انسان، برای سلامت روح و روان و دوری از اتهام، دوستی با چنین افرادی را ترک کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

أُولَى النَّاسِ بِالثُّمَةِ مَنْ جَالَسَ أَهْلَ الثُّمَةِ.^۱
 هر که با متهمان هم‌نشینی کند، بیش از همه سزاوار تهمت است.

دوستی خدا

آفرینش انسان به گونه‌ای است که حب به ذات دارد، هر چند به دیگر انسان‌ها نیز علاقه نشان می‌دهد.

حب به ذات سبب می شود انسان برای حفظ جان خویش تلاش کند و برای پایداری دوستی ها به فداکاری و جانبازی دست بزند. برترین گونه عشق و محبت که به آن عشق واقعی می گویند، حب به ذات لایزال الهی است. عاشق خداوند، دوستی او را بر هر چیزی مقدم می دارد و همه هستی خویش را برای محبت او فدا می کند. محبت به خدا در زندگی دنیوی، با کمک به نیازمندان، انجام خدمات خداپسندانه و اصلاح امور هم نوعان تجلی می یابد. پیامبر گرامی اسلام در توصیه به علاقه مُحَبِّ و محبوب می فرماید:

مَنْ أَثَرَ مَحَبَّةِ اللَّهِ عَلَى مَحَبَّةِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ
مَوْئِنَةَ النَّاسِ.^۱

هر که محبت خدا را بر محبت مردم ترجیح دهد، خداوند، گرفتاری مردم را از او کفایت می کند.



راست‌گویان دروغین

ظاهر و باطن برخی افراد یکسان است و به دلیل این ویژگی، همواره مورد احترام مردم هستند و دیگران به آنان اعتماد دارند. در مقابل، با افرادی روبه‌رو می‌شویم که با ظاهرسازی و ریاکاری‌های حساب شده، خود را به عنوان انسان‌های راست‌گو معرفی می‌کنند، ولی در مواقع مقتضی، برخلاف انتظار ظاهر می‌شوند. در این حالت، افرادی که به آنان اطمینان کرده‌اند، پشیمان می‌شوند و اعتماد آنان به‌طور کامل از بین می‌رود. رسول الله ﷺ، این راست‌گویان دروغین را به شدت مورد انتقاد قرار می‌دهد و می‌فرماید:

كَبُرَتْ خِيَانَةً أَنْ تُحَدِّثَ أَخَاكَ حَدِيثًا هُوَ لَكَ
بِهِ مُصَدِّقٌ وَأَنْتَ لَهُ كَاذِبٌ.^۱

خیانتی بس بزرگ است که تو به برادر خویش
سخنی بگویی که او تو را راست گو شمارد، در
حالی که دروغ گفته باشی.

راهنمایی

از کارهای پسندیده آن است که ره گم‌کردگان را به
راه راست هدایت کنیم تا به مقصد برسند. در یک
قیاس کوچک می‌توان گفت گاهی به افرادی که
مسافر و غریبه‌اند، برمی‌خوریم که کوچه‌ها و
خیابان‌های شهر ما را نمی‌شناسند. ما وظیفه داریم
تا آنان را به مقصد راهنمایی کنیم؛ زیرا کاری
پسندیده و ارزشمند است. همچنین گاهی افرادی
هستند که راه را از چاه باز نمی‌شناسند و
گمراهند. در اینجا نیز انسان مشفق و خیرخواه
می‌کوشد تا راه راست را به او باز شناساند و وی را
به سوی جاده سلامت و سعادت رهنمون شود.
پیامبر گرامی اسلام درباره هدایت ره‌جویان
می‌فرماید:

... إِزْشَادُكَ الرَّجُلَ فِي أَرْضِ الضَّلَالِ لَكَ
صَدَقَةٌ...^۱

... راهنمایی کسی که راه را گم کرده است،
صدقه است....

رسوایی آخرت

بی شک، انسان پس از مرگ با نتیجه اعمال خود روبه‌رو خواهد شد و روز حساب بیش از هر چیز دیگری به انسان نزدیک‌تر است. راست‌گوترین افراد؛ یعنی پیامبران و امامان، با تصدیق این امر، مردم را از انجام کارهای زشت برحذر داشته و فرموده‌اند که نتیجه هر کار خوب یا بدی به انسان بازمی‌گردد. روزی فرامی‌رسد که پرده‌ها فرو می‌افتد و باطن و حقایق انسان آشکار می‌شود و انسان‌های بدکار، رسوای عام و خاص خواهند شد. پس ای عزیز! ما که حاضریم برای حفظ آبروی خود در دنیا، هزینه‌های گزاف بپردازیم، چگونه در برابر حفظ آبروی خود در زندگی جاوید بی‌توجهیم. آیا نباید

برای حفظ آبروی خود در دنیای دیگر چاره‌ای
بیاندیشیم؟ پیامبر راستین اسلام در این باره
می‌فرماید:

فُضُّوحُ الدُّنْيَا أَهْوَنُ مِنْ فُضُّوحِ الْآخِرَةِ.^۱

رسوایی دنیا آسان‌تر از رسوایی آخرت است.





زهد و پارسایی

زهد به معنای غایب شدن از بین مردم و پناه بردن به غار و بیابان نیست. زهد به معنای تسبیح به دست گرفتن و به طور کلی امور دنیا را وانهادن نیست. زهد به معنای بی خبری انسان از عالم سیاست و ناآگاهی از آنچه در پیرامونش می‌گذرد، نیست. زهد به معنای گوشه‌گیری و گره‌گشایی نکردن از امور فردی و اجتماعی دیگران نیست. اینها همه تفسیرهای نادرست از زهد و پارسایی است. در اسلام، زاهد به کسی گفته می‌شود که از دنیاگرایی شدید و محور قرار دادن امور مادی پرهیز می‌کند و اگر هم اندوخته‌ای دارد، بر اساس چارچوبی که دین آن را تعیین کرده است، هزینه می‌کند و به دیگران نیز یاری می‌رساند. حقیقت زهد و پارسایی را باید در سیره رفتاری و کلام نورانی معصومین علیهم‌السلام جست‌وجو کرد؛ زاهدانی حقیقی که پارسایان شب

و شیران روز بودند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در ترسیم گوشه‌ای از حقیقت زهد می‌فرماید:

الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا قَصْرُ الْأَمَلِ وَ شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ
وَالْوَرَعُ عَنْ كُلِّ مَا حَرَّمَ اللَّهُ.^۱

زهد در دنیا، کوتاهی آرزو، به جا آوردن شکر
هر نعمت و پرهیز از هر چیزی است که خداوند
آن را حرام کرده است.



زیبا سخن گفتن

به راستی که کلام، معجزه‌گر است و می‌تواند تأثیر
فراوانی بر مخاطبان خود داشته باشد. سخن زیبا،
محکم، مستدل و منطقی، آدمی را ارشاد و راهنمایی
می‌کند و او را به راه راست نزدیک می‌سازد. سخن
نیکو در خاندان عصمت و طهارت به روشنی دیده
می‌شود. آنان هر جا دل‌های مردم را برای شنیدن
آماده می‌دیدند، به سخنرانی می‌پرداختند. کوتاه
سخن می‌گفتند؛ زیاده‌گو و تناقض‌گو نبودند.

شیرین سخن‌ترین و شیواگوترین مردمان بودند. آورده‌اند حتی بهشتیان نیز به زبان محمد ﷺ سخن می‌گویند. آنان هیچ‌گاه با نهایت مرتبه عقل و فهم خویش با کسی سخن نمی‌گفتند. به اندازه عقل و فهمشان حرف می‌زدند. حتی دشمنان نیز در رویارویی با سخنان دل‌نشین معصومین ﷺ، لب به اعتراف و اقرار می‌گشودند و بر زیبایی کلامشان صحنه می‌گذاشتند. آنان نه تنها خود نیکو سخن بودند، بلکه پیروانشان را نیز به شیوایی، ساده‌گویی و نیکو سخنی دعوت می‌کردند. آنان با رعایت ادب در گفتار، از دیگران می‌خواستند گفتار خویش را پاس بدارند و آن را به ناسزاگویی و سخنان ناپسند آلوده نسازند. آنان سخن زیبا را با ارزش‌تر و اثرگذارتر از چهره زیبا می‌دیدند. پیامبر گرامی اسلام، سرسلسله نیکو سخنان فرموده است:

الْجَمَالُ فِي اللِّسَانِ^۱

زیبایی در زبان است.



سست ایمانی و تجمل گرایی

بعضی مردم عادت کرده‌اند زندگی تجملی داشته باشند. اینان که به رفاه طلبی و دنیادوستی رو آورده‌اند، ساده زیستان را که در راهی جز راه آنان گام برمی دارند، عقب افتاده و واپس گرامی نامند. آنان چنان در تجمل گرایی فرو رفته‌اند که به کلی از کاروان انسانیت عقب مانده‌اند و ساده زیستی را که هنر مردان خداست، به باد تمسخر و استهزا می گیرند. خانه دل و جان تجمل گرایان از معنویت تهی است و همیشه سزاوار نکوهشند. ساده زیستی، روش پسندیده پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام است و آنان اسوه و الگوی دیگرانند. پیامبر اسلام می فرماید:

أَخْشَى مَا خَشِيتُ عَلَى أُمَّتِي كِبَرُ الْبَطْنِ وَ
مُداوَمَةُ النَّوْمِ وَ الْكَسَلُ وَ ضَعْفُ الْيَقِينِ.^۱

بر امت خویش بیشتر از هر چیز، از شکم پرستی
و پر خوابی و کسالت و سست ایمانی بیم نا کم.

ستایش بدکار

بی شک، هر انسانی به تشویق و تنبیه نیاز دارد تا از
کارهای نیک و بد خود آگاه شود و در به کار بستن
روش درست دقت کند. آدمی با تشویق، انگیزه
قوی تری نسبت به انجام دادن کار می یابد و با تنبیه
می کوشد از تکرار آن پرهیز کند. این اصل مسلم باید
در جای خود به کار گرفته شود. اگر شخص بدکاری
از تشویق و تحسین بهره مند شود، نه تنها نوعی
بی عدالتی نسبت به نیکوکاران خواهد بود، بلکه این
کار به زیان بدکاران هم است؛ زیرا او را به ادامه دادن
و تکرار کار زشتش مصمم تر خواهد کرد. از آن
گذشته، تحسین فرد بدکار در حقیقت نشانه رضایت
از کار زشت او خواهد بود که چنین تمجیدی
خلاف عقل و منطق است. این رویه حتی تعادل
اخلاقی جامعه را برهم می زند و روز به روز بر

شمار زشت کاران می افزاید. بنابراین، تشویق و تنبیه هر چند اهرم های کارسازی در انجام عمل و بازدارندگی هستند، ولی شیوه استفاده بجا از آنها بسیار مهم است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نهی از ستایش بدکاران می فرماید:

إِذَا مُدِحَ الْفَاجِرُ اهْتَزَّ الْعَرْشُ وَ غَضِبَ الرَّبُّ.^۱

هنگامی که از آدم بدکار ستایش شود، عرش الهی به لرزه درمی آید و خداوند خشمناک می شود.

سحرخیزی و بی نیازی

سحرخیزی و بی نیازی از ویژگی های مردان خداست. آنان در سایه سحرخیزی، روحی سرشار از عشق الهی و صفای باطن دارند، به گونه ای که انسان، ناخودآگاه در نگاه نافذ آنان گم می شود و تحت تأثیر عظمت و بزرگواری آنان قرار می گیرد. اینان هر چند از امکانات مادی بی بهره اند، ولی چنان

عزت نفسی دارند که هیچ کس نمی تواند از اسرارشان آگاه شود. آنان نزد همه کس حتی دشمنان خود، عزیز و قابل احترامند. سخن شان اثرگذار و کارشان مورد تأیید همگان است. این بزرگ مردان همیشه از الطاف الهی برخوردار بوده اند و پیامبر اکرم ﷺ نیز وجود این خصلت های نیکو را در آنان می ستاید:

شَرَفُ الْمُؤْمِنِ قِيَامُهُ بِاللَّيْلِ وَ عِزُّهُ اسْتِغْنَاؤُهُ
عَنِ النَّاسِ.^۱

شرف مؤمن در شب زنده داری اوست و عزت وی در بی نیازی از مردم است.

سراشیمی سقوط

پیروی از هوا و هوس، به بخل رو کردن، به حرص درآویختن، به خود بالیدن، خود بزرگ بینی و مانند آن، آدمی را به ورطه هلاکت و نابودی نزدیک می سازد و او را به سراشیمی سقوط می کشاند. انسان

در هر حال به راهبری قابل اعتماد نیاز دارد که با یادآوری، او را از پیروی هوا و هوس و گرایش به رذایل اخلاقی باز دارد و جاده سلامت دنیا و سعادت عقبی را به او نشان دهد. این راهنمایان، پیامبران الهی هستند که همواره در کنار مردم می‌زیستند. ایشان با گفتار و رفتار نیکوی خود، اسوه‌های عملی برای بشریت به شمار می‌روند. آنانی که پیش از سفارش کاری به دیگران، خود، عامل آن کار بودند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستوری سعادت آفرین و نجات بخش به آدمیان هدیه کرده است:

ثَلَاثٌ مُّوَبِّقَاتٌ: هَوًى مُّتَّبِعٌ وَ شُحٌّ مُّطَاعٌ وَ
إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ.^۱

سه چیز موجب هلاکت است: هوا و هوس که پیروی می‌شود؛ حرص و بخلی که از آن فرمان برند و خود پسندی که عاید انسان شود.

سرعت در خیرات

برخی مردم، دارایی و اندوخته‌های خود را در راه خدا انفاق می‌کنند و هنگام دیدار خدا، سبک‌بارند؛ زیرا زاد و توشه سفر آخرت را از پیش فرستاده‌اند. گروهی دیگر، تنها هنگامی به اندیشه انفاق می‌افتند که سلامت جسم را از دست داده و در یک قدمی مرگ قرار گرفته‌اند. در این حال، چون از نبود زاد و راحله سفر آخرت، وحشت کرده‌اند، با شتاب، به انفاق و بخشش می‌پردازند. هرچند این عمل نیز از پاداش برخوردار است، ولی بخششی که برای رضای خداست، با بخششی که از ترس مرگ است، بسیار فرق دارد. گروه سوم، کسانی هستند که حتی هنگام مرگ نیز دست بخشش ندارند و آشکار نیست که دارایی‌شان پس از مرگ، در چه راهی مصرف خواهد شد. بر این اساس، پیامبر اسلام می‌فرماید:

لَا نَ يَتَصَدَّقَ الْمَرْءُ فِي حَيَاتِهِ بِدِرْهَمٍ خَيْرًا لَهُ

مِنْ أَنْ يَتَصَدَّقَ بِمِائَةِ عِنْدَ مَوْتِهِ.^۱

اگر انسان در حیات خود، درهمی صدقه دهد،
بہتر است از اینکه هنگام مرگش، صد درہم
صدقہ بدهد.

سستی در عبادت

سستی در ہر کاری ناپسند است و سبب می شود کہ
کارها بہ درستی انجام نشود و در نتیجہ، اثر مطلوبی
در پی نداشته باشد. عبادت ہم از کارهایی است کہ
بہ اخلاص، نشاط و سرزندگی نیاز دارد. اگر یکی از
این عوامل نباشد، بہ همان اندازہ بہ عبادت آسیب
می رساند. در این میان، سستی و کاهلی و بی میلی در
عبادت بہ شدت، از دامنه اثر آن می کاهد. بی میلی
نشانه بی انگیزہ بودن است و ہنگامی کہ شوق و
علاقہ در کار نباشد، عبادت، اثر روحی و معنوی
نخواہد داشت.

نمازی آدمی را از منکر و زشتی باز می دارد کہ با
رعایت تمام شرطها انجام شود تا اثر گذار و

بازدارنده باشد. در غیر این صورت، عبادت زیانی که تنها لقلقه زبان آدمی است، نمی تواند آدمی را از زشتی ها باز دارد. پیامبر گرامی اسلام به نماز اهمیت فراوان می داد. با شادابی و نشاط بسیار، برای برگزاری نماز آماده می شد و نماز تا عمق جان او می نشست، به گونه ای که گفته اند پیامبر در حال نماز بود و آوای گریستن او همچون آوای جوشیدن دیگ بود. ایشان نماز خواندن را چنان سازنده می دانست که با اشتیاق تمام، وقت نماز را انتظار می کشید و آن را با آداب کامل بجا می آورد. ایشان در سفارشی زیبا به علی علیه السلام برای آموزش پیروانشان این گونه سخن می گوید:

يَا عَلِيُّ آفَةُ الْعِبَادَةِ الْفَتْرَةُ.^۱

ای علی! آفت عبادت، سستی است.

سلام

سلام، بهترین هدیه ای است که با کمترین هزینه و بیشترین فایده به همدیگر می بخشیم. سلام،

واژه‌ای معجزه آفرین است که غبار کدورت را می‌زداید و رشته‌های محبت را مستحکم می‌سازد. از درود و سلام فرستادن دریغ نورزیم و این کلمه زیبا را با تکان دادن سر یا برداشتن کلاه یا اشاره و رفتارهای ماشینی عوض نکنیم. سلام را آشکار کنیم و صداقت و صفا و احترام به دیگران هدیه دهیم. در سیره پیامبر گرامی اسلام آمده است که ایشان در سلام دادن حتی به کودکان، پیش قدم بود و کسی نتوانست در این مسابقه، گوی سبقت را از ایشان بریاید. آن پیامبر رحمت می‌فرماید:

أَفْشُوا السَّلَامَ تَسْلَمُوا.^۱

سلام را آشکار سازید تا سلامت بمانید.

سوغات سفر

سوغات سفر، صرف نظر از ارزش مادی، نشان‌دهنده محبت و علاقه افراد به یکدیگر است.

در واقع، مسافر با این کار می‌فهماند که در سفر نیز به یاد دوست خود بوده است. در حقیقت، این کار، یکی از بهترین راه‌های تحکیم پیمان دوستی و جلب محبت طرف مقابل است. بنابراین، بسیار شایسته است انسان هنگام بازگشت از مسافرت، در حد توان، سوغات دوستان و خویشان را تهیه کند. البته در این رهگذر، نباید خود را به تکلف و سختی افکند و به ارزش مادی اشیا توجه کند؛ زیرا راضی کردن دیگران به بهای به زحمت انداختن بیش از حد خود، مطلوب نیست. پیامبر اسلام برای احیای این سنت حسنه می‌فرماید:

إِذَا قَدِمَ أَحَدُكُمْ مِنْ سَفَرٍ فَلْيَقْدِمْ مَعَهُ بِهَدِيَّةٍ وَ
لَوْ يُلْقَى فِي مَخْلَاتِهِ حَجَرًا.^۱

هرگاه کسی از سفر می‌آید، باید با خود سوغاتی بیاورد، اگر چه سنگی در توبره خود بیاندازد.

سوگند ناصواب

بعضی افراد عادت کرده‌اند برای اثبات گفته‌های خود در امور کوچک و بزرگ، قسم می‌خورند. اگر سوگند به دروغ باشد، حرام و غیرشرعی است. اگر راست باشد و برای امور ضروری باشد، مانند اثبات حق یا برطرف کردن ستم، مانعی ندارد. با این حال، اگر فرد در امور جزئی و پیش پا افتاده قسم بخورد، خدا را کوچک می‌کند و رفته رفته از عظمت و قداست الهی می‌کاهد. البته انسان برای ترک هر عادت باید رنج آن را بر خود هموار کند تا عادت‌های نکوهیده از او دور شوند و خود را به خلق نیکو بیاراید. پیشوایان معصوم، این عادت ناپسند را بر نمی‌تابند و از پیروان خود می‌خواهند آن را ترک کنند. پیامبر محبوب اسلام می‌فرماید:

لَا تَخْلِفُ بِاللَّهِ كَاذِبًا وَلَا صَادِقًا مِنْ غَيْرِ
 ضَرُورَةٍ وَلَا تَجْعَلَ اللَّهَ عُرْضَةً لِيَمِينِكَ

فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْحَمُ وَلَا يَرْعَى مَنْ حَلَفَ
بِاسْمِهِ كَاذِبًا.^۱

سوگند دروغ به خدا مخور و سوگند راست هم
بدون ضرورت یاد مکن و خداوند را در
معرض قسم خود قرار مده؛ زیرا خدا به کسی که
به نام او سوگند دروغ می خورد، رحم نمی کند
و او را مورد ملاحظت خود قرار نمی دهد.





شادی چشم‌ها

وحشتی بی سابقه، دهشتی بی مانند، هولی پریشان‌زا
و هیبتی بیچاره کننده همه مردم را دربرمی گیرد. همه
دل‌ها مضطرب و در تشویش؛ همه بدن‌ها لرزان؛
همه چشم‌ها گریان و همه در اندیشه فرجام کار
خویشند. جایی برای فرار نیست. نمی‌توان به مکر و
حیله روی آورد و به گونه‌ای از مهلکه خود را رها کنید
و نام آن را زرنگی نهاد. گاهی در دنیای خاکی،
بعضی افراد از این راه‌ها برای گریز و رهایی سود
می‌جستند، ولی اینجا پایان دنیا است. جایی که
انسان‌ها همه در پیش‌گاه عدل الهی قرار می‌گیرند و
کردارها سنجیده می‌شود. جملگی در اضطراب و
هراسند جز مؤمنان و فرمانبرداران؛ آنان که توشه از
پیش فرستاده و امنیت را با بندگی خریده و اینک در
سایه‌سار لطف الهی قرار گرفته‌اند. آنان چنین فرجام

نیکی را با شب‌زنده‌داری و حرکت در دایره شریعت برای خویش مهیا ساخته‌اند. همان وعده‌ای که رسول رحمت به ایشان داده بود:

كُلُّ عَيْنٍ بِاَكِيَّةٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَةً أَعْيُنٌ: عَيْنُ سَهْرَتٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ قَاضَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ.^۱

هر چشمی در روز قیامت گریان است، جز سه چشم: چشمی که در راه خدا شب‌بیداری کشیده باشد؛ چشمی که به چیزهایی که خدا حرام کرده است، نگاه نکرده باشد؛ چشمی که از خوف خدا اشک بسیار ریخته باشد.

شایسته سالاری

باید گفت هر کسی اگر در جایگاه خود قرار گیرد، می‌تواند در کارها پیشرفت کمی و کیفی ایجاد کند، ولی اگر در راستای انگیزه‌ها، توانایی‌ها و علاقه‌های خود قرار نگیرد، نه تنها پیشرفتی در کار ایجاد

نمی‌کند، بلکه عامل رکود و افت در کارها می‌شود. بنابراین، شایسته است در تقسیم کارها بین نیروهای انسانی به این مهم توجه شود. همچنین اگر کسی نابجا در جای دیگری که استحقاق آن کار را دارد، قرار گیرد، جلو رشد فردی و اجتماعی خودش گرفته می‌شود؛ زیرا شخصی که دارای تخصص، اطلاعات و توانایی مناسب باشد و در جای خود قرار داده شود، عامل پیشرفت و موفقیت در کارها می‌گردد. بنابراین، بهتر است برای پیشرفت کیفی در کارها و پیش‌گیری از رکود و کم‌کاری افراد، کارها به دست اهلش سپرده شود. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

مَنْ عَمِلَ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ.^۱

کسی که از روی نادانی کاری انجام دهد، افساد او بیش از اصلاحش خواهد بود.

شتاب در توبه

کاروان مرگ بی خبر به سراغ ما می آید. همیشه بیماری، مقدمه مرگ نیست. چه بسا حوادث گوناگون به انسان مهلت نمی دهد تا چشمان باز خود را ببندد یا چشمان بسته اش را باز بگشاید. پس چرا اکنون که فرصت باقی است، از گذشته های خود باز نگردیم و ره به سوی سلامت و سعادت نسپاریم تا رحمت بی منتهای الهی شامل حالمان شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در هشداری ارزنده می فرماید:

تُوبُوا إِلَى رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمُوتُوا...^۱

پیش از آنکه مرگتان فرا رسد، به سوی خدای خود توبه کنید....

شنیدن سخنان خوب

مؤمن - همچون عاشقی که در راه رسیدن به معشوق سر از پا نمی شناسد - نه تنها از آموختن مطالب

حکمت‌آمیز و هر آنچه او را به سوی محبوب هدایت کند، خسته نمی‌شود، بلکه اشتیاق او برای شنیدن حکمت، روز به روز افزایش می‌یابد. وی چنان در این راه مصمم است که هیچ‌گونه ضعف و سستی در او دیده نمی‌شود. مؤمن حیات معنوی خود را به این سخنان خوب و باارزش وابسته می‌داند و از هم‌نشینی با عالمان مهذب و مطالعه کتاب‌های سودمند لذت می‌برد. هم‌نشینی با خوبان، خواه ناخواه آثار مثبتی در انسان بر جا می‌نهد. پس بکوشیم حقّ گوش را که شنیدن نیکوست، ادا کنیم. پیامبر اسلام در تحسین این رویه پسندیده می‌فرماید:

لَنْ يَشْبَعَ الْمُؤْمِنُ مِنْ خَيْرٍ يَسْمَعُهُ حَتَّى يَكُونَ مُنْتَهَاهُ الْجَنَّةَ.^۱

مؤمن هرگز از شنیدن سخنان خیری که می‌شنود، خسته نخواهد شد تا به بهشت برسد.

شهادت دروغ

دروغ یکی از گناهان بزرگ است و دروغ‌گو نزد مردم ارزش و جایگاهی ندارد، ولی بدترین دروغ آن است که شخص برای پای مال کردن حق دیگران، شهادت دروغ بدهد. این کار، روح فرد را به ناپاکی می‌آلاید و حقوق دیگران را ضایع می‌کند. شاهد دروغین، افکار را به راه خطا و ناصواب می‌کشاند. در نتیجه، طرف مقابل نیز برای احقاق حق خود، به ستیزه‌جویی روی می‌آورد. پیامبر رحمت در هشدار به شهادت‌دهندگان دروغین می‌فرماید:

لَنْ تَزُولَ قَدَمُ شَاهِدِ الزُّوْرِ حَتَّى يُوجِبَ اللَّهُ لَهُ
النَّارَ.^۱

شاهد دروغین از جای نمی‌جنبد، مگر اینکه خداوند، دوزخ را بر او واجب می‌کند.



صداقت در تجارت

اگر تجارت و معامله، عادلانه و بر اساس قانون الهی باشد، بسیار پسندیده است، ولی بعضی سودجویان، از این رهگذر، به انواع بی‌رحمی‌ها دست می‌یازند. این زیاده‌طلبان، برای غارت اموال مردم، با انواع و اقسام حيله و بازارگر می، اجناس خود را به چندین و چند برابر می‌فروشند و همچنان می‌پندارند که سرمایه مفیدی اندوخته‌اند. آیا درست است که افزون‌خواهان، با پنهان ساختن و انبار کردن اجناس مورد نیاز مردم، آن را به قیمت گزاف بفروشند و با گستاخی تمام، خود را مسلمان نیز بدانند؟ پیامبر خدا در توصیه به راستی و صداقت در کسب و کار می‌فرماید:

يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ إِنَّ اللَّهَ بَاعِثُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

فُجَّارًا إِلَّا مَنْ صَدَقَ وَ أَدَّى الْأَمَانَةَ.^۱

ای گروه تاجران! خدا شما را فاجر محشور می‌کند جز آنان که امین و درست‌کار هستند.

صله رحم

اسلام بر دیدار و رسیدگی به حال خویشاوندان بسیار تأکید کرده است. این امر، محبت و دوستی را بین اقوام و خانواده‌ها پدید می‌آورد و سبب می‌شود آنان در گاه گرفتاری، با انگیزه بیشتری به یاری یکدیگر بشتابند. البته باید کوشید این دیدارها، به محفلی برای بدگویی و غیبت دیگران تبدیل نشود. این دیدارها زمانی سودمند است که بابحث‌های مفید و آگاهی‌دادن به یکدیگر همراه باشد. پیامبر گرامی اسلام نیز برای دیدار و رسیدگی به خویشاوندان، اهمیت بسیاری قائل بود. ایشان می‌فرماید:

لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعٌ رَحِمٍ.^۲

قطع‌کننده رحم وارد بهشت نخواهد شد.



ضيافت مقبول

ترتيب دادن مجلس مهماني كار بسيار خردمندانه و پسنديده‌اي است، اگر:

۱. براي تحكيم رشته‌هاي محبت باشد.

۲. به شكرانه اعطاي نعمتي از جانب خداوند باشد.

۳. سبب اسراف و هدر رفتن نعمت‌هاي الهي نگردد.

در اين صورت، نشست و برخاست‌ها، وسايل رشد مادي و معنوي افراد را فراهم مي‌آورد. بنا بر اين، بايد تلاش شود تا افزون بر پذيرايي، به طور مستقيم يا غيرمستقيم، ديگران را به وظايف انساني‌شان آگاه سازيم. در اين ميان، آنچه مورد نكوهش اوليای الهي است، اين است كه دعوت شدگان تنها از ميان ثروت‌مندان و صاحبان قدرت و شوكت باشند. به راستي آيا مي‌توان انسان‌هايي را كه

تنها گناهشان، نداشتن مال و قدرت ظاهری است، از ورود به چنین مجالسی منع کرد؟ آیا این بزرگ‌ترین توهین به مقام انسانیت نیست؟ حضرت ختمی مرتبت می‌فرماید:

بِشَسِّ الطَّعَامِ طَعَامُ الْعُرْسِ يَطْعَمُهُ الْأَغْنِيَاءُ وَ
يُمْنَعُهُ الْمَسَاكِينُ.^۱

چه بد است خوراک عروسی که ثروت‌مندان از آن بخورند و فقیران محروم بمانند.





طلب عافیت برای دیگران

برخی انسان‌ها پیش از دعا برای خود، در حق دیگران دعا می‌کنند و این نشان‌دهنده علاقه و محبتی است که نسبت به دوستان و نزدیکان خود دارند. تجربه نشان داده است چنین کسانی زودتر از دیگران به حاجت خود می‌رسند. شاید این موفقیت سریع آنان به دلیل گذشت و نیت پاک آنان باشد؛ زیرا چه بسا دعای خالصانه آنان بدون اطلاع و تقاضای طرف مقابل، صورت می‌گیرد و این، نشان‌دهنده اخلاص و علاقه بسیار آنان به شخص دعا شده است. رسول اسلام یکی از رمزهای اجابت دعا را چنین معرفی می‌کند:

أَطْلُبِ الْعَافِيَةَ لِغَيْرِكَ تَرْزُقْهَا فِي نَفْسِكَ.^۱

برای دیگران عافیت بخواه تا نصیب تو گردد.



عالم به دنیا و جاهل به آخرت

دانش زمانی ارزشمند است که به مسائل مادی و دنیوی محدود نگردد و سعادت دنیا و آخرت صاحب دانش را تأمین کند. امروز بیشتر ویرانی‌ها و خرابی‌ها، به دلیل نگاه یک بُعدی به علوم بوده است. به گونه‌ای که برخی در مسائل مادی اطلاعات بسیار ریز و دقیقی دارند، ولی متأسفانه در مسائل دینی و اخروی بسیار کم‌خبرند. بنابراین، چنانچه علوم مادی با علوم مربوط به دین و آخرت همراه شود، بشر را به سعادت و سربلندی می‌رساند.

هر عالمی باید باتوجه به فایده‌های دنیوی و اخروی هر علم، با بینشی درست و حساب شده، آن را به کار برد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ كُلَّ غَالِمٍ بِالدُّنْيَا جَاهِلٍ بِالْآخِرَةِ.^۱
 خداوند هر کسی را که به کار دنیا، دانا و درکار
 آخرت، نادان است، دشمن می‌دارد.

عبادت مخفی

برخی عبادت‌ها در دین اسلام، جنبه شعاری دارند؛ یعنی برای تعظیم شعایر، باید آنها را آشکارا انجام داد. عبادت‌هایی چون اذان، نماز جماعت، حج و جهاد، روح یگانگی را در همگان تقویت می‌کند و مردم را در راه اجرای آنها مصمم‌تر می‌سازد. بعضی دیگر از عبادت‌ها باید مخفیانه انجام گیرد. عبادت‌هایی مانند نماز شب، روزه و دستگیری از مستمندان اگر پنهانی انجام گیرد، ارزشمندتر و مطلوب‌تر است؛ زیرا بیم ریاکاری و وسوسه‌های شیطانی در این موارد زیاد است. پیامبر گرامی اسلام تأکید دارد که این‌گونه کارها پنهانی صورت گیرد تا جنبه خودنمایی به خود نگیرد و پاداش آن از بین

نرود. بنابراین می‌فرماید:

أَعْظَمُ الْعِبَادَةِ أَجْرًا أَخْفِيهَا.^۱

بالاترین عبادت از نظر پاداش، مخفی‌ترین آنهاست.

عذرپذیری

گاهی انسان در برخوردهای اجتماعی خویش، با دیگران اختلاف پیدا می‌کند که گاه به مشاجره لفظی یا برخورد فیزیکی می‌انجامد، ولی سرانجام ممکن است خود آن فرد یا با واسطه نزدش بیاید و عذرخواهی کند. در چنین حالی، مروت و جوان‌مردی اجازه نمی‌دهد دست رد به سینه او بزنیم؛ زیرا وی خودش را شرمسار می‌داند و از عذاب وجدان رنج می‌برد. پسندیده است که با برخوردی بزرگووارانه، عذرش را بپذیریم و برای انجام این کار نیک، از او سپاس‌گزاری کنیم. رسول گرامی اسلام در این باره می‌فرماید:

مَنْ لَمْ يَقْبَلِ الْعُذْرَ مِنْ مُتَنَصِّلٍ صَادِقًا كَانَ أَوْ
كَاذِبًا لَمْ يَنْلُ شَفَاعَتِي.^۱

هرکس عذر پوزش‌گری را - راست باشد یا
دروغ - نپذیرد، به شفاعت من نمی‌رسد.

عزت نفس

برخی نیازمندان چون طبع بلند دارند، همواره
می‌کوشند خود را بی‌نیاز نشان دهند و به اصطلاح
«با سیلی، صورت خود را سرخ نگه دارند». در
مقابل، به افرادی برمی‌خوریم که با داشتن رفاه و
برخورداری از امکانات مالی، همچنان دست نیاز به
سوی این و آن دراز می‌کنند. اینان، فرومایگانی
هستند که به آسانی، عزت نفس خود را از دست
می‌دهند و دین و شخصیت خود را می‌فروشند.
آیین اسلام به پیروانش دستور می‌دهد که هیچ‌گاه
شخصیت والای خود را به بهای ناچیز نفروشند و
برای به دست آوردن نیازهای مادی خویش،

به سوی این و آن دست دراز نکنند. پیامبر
عظیم الشان اسلام می فرماید:

إِسْتَعْنُوا عَنِ النَّاسِ وَ لَوْ بِشَوْصِ السَّوَاكِ^۱.

از مردم بی نیاز باشید و از آنان، یک قطعه
چوب مسواک هم نخواهید.

عفو به هنگام قدرت

هر انسانی حق دارد نسبت به آن مقدار حقی که از او
ضایع شده است، دادخواهی کند و حق خود را باز
پس گیرد. با این حال شایسته است انسان خود را به
گونه ای تربیت کند که عفو و بخشش را اصل قرار
دهد و فقط در مواردی که ضرورت دارد، از حق
انتقام استفاده کند. این خصلت، ویژه کسانی است که
از کرامت نفس و روحیه والای گذشت برخوردارند.
چه بسا ممکن است با این روح بزرگوارشان،
انسان های گناه کار و متجاوز را دگرگون سازند و به
پاسداری از حقوق دیگران، رهنمون شوند. پیامبر

رحمت در این باره می‌فرماید:

إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ شُكْرًا
لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ.^۱

وقتی بر دشمنت چیره شدی، عفو را شکرانه
این چیرگی قرار ده.

عیادت از بیماران

نشاط روحی و روانی تأثیر فراوانی در
بهبودی بیماری دارد. بیمار به دلیل درد و رنج،
به غم و اندوه مبتلا می‌شود و با فرو رفتن در خود،
خزیدن در گوشه تنهایی و دوری از اجتماع، بر
عذاب روح خود می‌افزاید. پیامبر عزیز اسلام به
دوستان و خویشان بیمار توصیه می‌کند که به دیدار
وی بروند؛ چون برای قدم‌هایی که در این راه
برمی‌دارند، ثواب‌های فراوانی در نظر گرفته شده
است. آن گاه که کنار بیمار می‌نشینید، از خوشی‌ها و
امیدها و سلامتی سخن بگویید تا حالت نشاط و

سرزندگی و امید در او پدید آید و با روحیه مناسب با بیماری مبارزه کند. ایشان در سخنی جاودانی می‌فرماید:

غَائِدُ الْمَرِيضِ يَمْشِي فِي طَرِيقِ الْجَنَّةِ حَتَّى يَرْجِعَ.^۱

کسی که بیماری را عیادت می‌کند، تا هنگامی که باز می‌گردد، در راه بهشت قدم می‌زند.

عیادت بیماران، آداب و شرایط ویژه‌ای دارد. بیمار به استراحت و آرامش جسمی و روحی نیاز دارد. از این رو، عیادت طولانی نه تنها او را شادمان نمی‌کند، بلکه مایه رنجش خاطر وی نیز خواهد شد. همچنین شایسته است عیادت کننده هنگام دیدار، ارمغانی را که با ذایقه بیمار سازگار است، به او هدیه کند. عیادت کننده نباید بسیار سخن بگوید، بلکه باید برای سلامتی بیمار دعا کند و وعده بهبودی بدهد تا او را به آینده امیدوار سازد. پیامبر ارجمند اسلام در ستایش این عمل پسندیده و توجه

به آداب آن می فرماید:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَجْراً سُرْعَةُ الْقِيَامِ مِنَ عِنْدِ
الْمَرِيضِ.^۱

از بهترین عبادت این است که از نزد بیمار،
زودتر برخیزی.





غذای دسته جمعی

یکی از آسیب‌های زندگی ماشینی و صنعتی این است که به دلیل کثرت مشاغل و نیازهای مادی، میان افراد خانواده‌ها جدایی انداخته است. کمتر اتفاق می‌افتد که همه اعضای یک خانواده، بر سر یک سفره، غذا بخورند. این وضعیت، به تدریج، روح انزوایی را در افراد خانواده پدید می‌آورد و از محبت و الفت آنان نسبت به یکدیگر می‌کاهد. هم‌نشینی و گرد آمدن بر سر یک سفره، صمیمیت و صفای خاصی دارد و حتی لذت خوردنی‌ها را در ذائقه انسان افزایش می‌دهد. چه بسا مشکلات خانوادگی هم پس از خوردن غذا، قابل بررسی و نتیجه‌گیری است. پیامبر رحمت درباره دل‌چسب بودن خوردنی‌ها می‌فرماید:

أَحَبُّ الطَّعَامِ إِلَى اللَّهِ مَا كَثُرَتْ عَلَيْهِ الْيَدُ.^۱
 بهترین غذاها آن است که گروه زیادی برگرد
 آن بنشینند.

غرور علمی

بی شک، بهره‌مندی از دانش، کمال انسانی است و همه مردم، دوستدار دانش و دانشمندان. دانشمندان همانند درختان میوه، هرچه پربارتر باشند، بیشتر فروتن خواهند شد. گذشته از عالمان واقعی، عده‌ای نیز بی دلیل، ادعای برخورداری از دانش را دارند. در حقیقت، این مدعیان دروغین که با تبلیغات نادرست، برای خویش، مقام و موقعیتی کسب کرده‌اند، از تجربه‌های علمی بی‌بهره‌اند. دانشمندان واقعی هیچ‌گاه در دانش خود، تظاهر نکرده‌اند و از دانش خود، برای تکامل مادی و معنوی جامعه استفاده می‌کنند. پیامبر گرامی اسلام به مدعیان دانش هشدار می‌دهد:

مَنْ سَمِعَ النَّاسَ بِعِلْمِهِ سَمِعَ اللَّهُ بِهِ مَسَامِعَ
خَلْقِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ حَقَّرَهُ وَ صَغَّرَهُ.^۱

هر کس، گوش مردم را از علم خود پر کند [و به
آن بیالسد]، خداوند در روز رستاخیز، گوش
مردم را از رسوایی وی پر و او را حقیر و
ناچیز می‌سازد.

غنیمت شمردن لحظه‌ها

حقیقت این است که هیچ کس نمی‌تواند به زندگی
فردای خود اعتماد داشته باشد؛ زیرا هر لحظه در
معرض مرگ است و نمی‌داند چه چیزی برایش
اتفاق خواهد افتاد. چگونه انسان می‌تواند فردا را
جزو عمر خود به حساب آورد، در حالی که پیرامون
خویش، کسانی را می‌بیند که در یک چشم برهم
زدن با مرگ طبیعی یا حوادث ناگهانی، به سوی
سرای دیگر کوچ می‌کنند. پس برای تهیه ره‌توشه
آخرت، با امید به فردا و فرداها نمی‌توان زیست.

باید لحظه‌ها را غنیمت دانست و از آن بهره برد؛ زیرا جز ذات الهی، کسی نمی‌داند چه سرنوشتی برای فردی او رقم خورده است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله درباره امید داشتن واهی به فرداها می‌فرماید:

مَنْ عَدَّ غَدًا مِنْ أَجَلِهِ فَقَدْ أَسَاءَ صُحْبَةَ الْمَوْتِ.^۱

هر کس، فردا را از عمر خویش شمارد، مرگ را خوب شناخته است.





فداکاری برای دین

در اسلام، مال و جان و دین اهمیت ویژه‌ای دارند و انسان مسلمان باید در برابر به خطر افتادن هر یک از آنها حساسیت نشان دهد و برای احیای آنها مبارزه کند. البته اهمیت اینها به یک اندازه نیست. درست است که مال و جان ارزشمندند و به دفاع نیاز دارند، ولی وقتی پای دین به میان می‌آید، همه چیز را تحت الشعاع قرار می‌دهد. پیشوایان ما نیز وقتی صحبت دین به میان می‌آمد، دشوارترین سختی‌ها و از دست دادن اموال را به راحتی تحمل می‌کردند تا دین پاینده بماند. این گذشت‌ها در زندگی ائمه معصومین به ویژه پیامبر گرامی اسلام به خوبی دیده می‌شود. ایشان در ۲۳ سال سخت‌ترین شرایط را در مکه و مدینه تحمل کرد تا نهال اسلام بارور شود و انسان‌ها بتوانند در پرتو آموزه‌های دینی راه کمال و

سعادت بپیمایند. ایشان در پندی گران بها به حضرت علی علیه السلام می فرماید:

وَ ابْذُلْ مَالَكَ وَ نَفْسَكَ دُونَ دِينِكَ.^۱

مال و جان را در راه دین خود فدا کن.

فریب کاران

مردم دو دسته اند؛ گروهی راه صواب می پیمایند و دیگران را یا از هم نوعان خود یا از هم کیشان خویش می شمارند. از این رو، در برخوردهای فردی و اجتماعی با صداقت و سلامت با آنان روبه رو می شوند. گروه دیگر، در پی حيله گری و فریب دادن دیگران برای به دست آوردن مقام و موقعیت اجتماعی یا زرق و برق دنیایی برمی آیند و برای به دست آوردن توشه دو روزه دنیا، از زیان رساندن به دیگران هیچ گونه پروایی ندارند. اینان در روابط اجتماعی خود با دیگران از در نیرنگ وارد می شوند. بی شک، مردم در رویاروی با این افراد سودجو،

آرامش خویش را از دست می دهند و تلاش می کنند از شر نقشه های آنان رها شوند. این افراد، اعتماد اجتماعی را از میان می برند و امنیت روانی را نابود می سازند. چگونه است که بعضی افراد، از مسلمانی و پیروی از اسوه فضیلت و تقوا؛ یعنی پیامبر گرامی اسلام دم می زنند، ولی در عمل، هیچ بهره ای از رفتار پیامبر ندارند. حضرت رسول الله ﷺ این افراد را از دایره مسلمانی جدا می سازد و می فرماید:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا أَوْ ضَرَّهُ أَوْ مَاكَرَهُ.^۱
 کسی که با مسلمانی غل و غش کند یا به او زیان برساند یا با او از در مکر و خدعه درآید، از ما نیست.



قرض گرفتن

برخی عادت کرده‌اند که به شیوه‌های گوناگون از دیگران، پول قرض بگیرند. این افراد به دلیل فزونی بدهی‌ها، آسایش روحی و روانی خود را از دست می‌دهند و همیشه در اندیشه بازپرداخت دین‌های خود هستند و چه بسا آرزو می‌کنند که کاش به این کار دست نمی‌زدند. اگر این اشخاص با چشم‌پوشی از زیاده‌خواهی، به آنچه داشتند، راضی می‌شدند و زندگی خود را متناسب با دارایی خویش تنظیم می‌کردند، به چنین بلایی گرفتار نمی‌شدند. رعایت اعتدال در فراهم آوردن امکانات رفاهی زندگی سبب خواهد شد افراد، بی‌دلیل زیر بار سنگین قرض‌های متعدد فرو نروند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، دین و بدهی را به از دست دادن آزادی تعبیر کرده و فرموده است:

أَقِلَّ مِنَ الدَّيْنِ تَعِشْ حُرّاً.^۱

قرض کمتر بگیر، تا آزاد زندگی کنی.

قناعت

قناعت‌پیشگان در برابر حوادثی که به گونه‌ای شرف و عزّت آنان را به خطر می‌اندازد، پایدارند. قناعت، فرصت مناسبی را برای آدمی فراهم می‌کند تا جنبه‌های معنوی خویش را تقویت کند و به آسایش و خوشبختی جاودان برسد. قناعت از حرص و آزمندی انسان پیش‌گیری می‌کند و به او اعتدال می‌بخشد. فرد قانع، وقت گران‌بهای خود را صرف خواسته‌های نابجا نمی‌کند و آسان‌تر می‌تواند نردبان تعالی و تکامل را بی‌یماید. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به پیروان خود توصیه می‌کند که به این ویژگی پسندیده آراسته شوند:

عَلَيْكُمْ بِالقَنَاعَةِ فَإِنَّ القَنَاعَةَ مَالٌ لَا يَنْفَدُ.^۲

به قناعت خو کنید؛ که به راستی، قناعت مالی پایان‌ناپذیر است.



کم حوصله بودن

کم حوصله بودن یا نشانه بیماری جسمی است یا از ضعف روحی حکایت دارد. انسانی که از روح و جسمی سالم برخوردار است، توانِ رویارویی با مشکلات را دارد و هیچ‌گاه خود را نمی‌بازد و هیاهو به راه نمی‌اندازد. در مقابل، انسان‌های کم حوصله، به تدریج محبوبیت خویش را از دست می‌دهند و در مواقع حساس، از قضاوت و تصمیم‌گیری درست باز می‌مانند. انسان‌های صبور و مقاوم که از نعمت صبر و دقت نظر بهره‌مندند، هیچ‌گاه در کارها و اظهارنظرهای خود، شتاب نمی‌کنند. به گفته پیامبر گرامی اسلام، در امور مربوط به دنیا با حوصله و تأمل اقدام کنید، ولی در کارهای خیر و فراهم ساختن توشه آخرت، به خود تردید راه ندهید:

التَّوَدُّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ خَيْرٌ إِلَّا فِي عَمَلِ الْآخِرَةِ.^۱
 حوصله کردن در همه چیز خوب است جز در
 کار آخرت.

کمک به نابینایان

هرچند انسان‌ها از نظر شخصیتی با هم فرقی ندارند، ولی ممکن است افرادی به دلیل نداشتن قدرت بینایی، در انجام دادن بعضی کارها، نیازمند کمک دیگران باشند. انسان مسلمان در این باره، وظیفه‌ای دارد و نباید آسوده خاطر باشد. هر انسان با وجدان و آزاده‌ای، وظیفه دارد به هم‌نوعان خود کمک کند. شکرانه دست توانا و نعمت‌های فراوان الهی، گرفتن دست ناتوان است. اگر ما بگوییم دیگران به او کمک می‌کنند و به کمک من نیازی ندارد، ممکن است دیگران نیز چنین تصویری داشته باشند. در نتیجه، انتظارهای آن نیازمندی پاسخ می‌ماند. پیامبر گرامی ما درباره کمک و یاری رساندن به نابینایان می‌فرماید:

مَنْ قَادَ أَعْمَى أَرْبَعِينَ خُطْوَةً غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ
مِنْ ذَنْبِهِ.^۱

هرکس، نابینایی را تا چهل قدم بکشد، گناهانی
که تاکنون کرده است، آمرزیده خواهد شد.

کوچک شمردن مشکلات

اگر انسان اراده کند، می‌تواند به تدریج، به نیرویی
دست یابد که تحمل مشکلات را آسان پندارد. این
مسئله با قدرت تحمل آدمی، رابطه مستقیم دارد. اگر
مشکلات را کوچک شمارد و با آن مبارزه کند،
می‌تواند به راحتی بر مشکلات بزرگ نیز چیره شود.
این همه در سایه پشتکار و ایستادگی ممکن است و
مهم این است که در برابر گرفتاری‌ها، خود را نبازد و
از میدان به در نرود. گاهی انسان در رویایی با
مشکلات، از آن معضل، تصویر نادرستی در ذهن
خود ترسیم می‌کند؛ یعنی مشکل بسیار بزرگ‌نمایی
می‌شود. در حالی که با کوچک شمردن مشکلات

بزرگ، می‌توان بر آن چیره شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

لَا سَهْلَ إِلَّا مَا جَعَلْتَ سَهْلًا.^۱

هر قدر آسان بگیری، آسان می‌گذرد.

کیفیت بخشیدن به کار

برخی عادت کرده‌اند که با سهل‌انگاری کارهای خود را بدون کیفیت انجام دهند و پیش از انجام درست یک کار، به کار دیگری بپردازند. آشکار است که در این صورت، انسان نمی‌تواند از کارهای آنان بهره‌برداری کند. در مقابل، افراد نیکی هستند که به دلیل تعهد خویش، کارهایی که به آنان سپرده می‌شوند، به بهترین صورت انجام می‌دهند و محبوبیت مردمی و رضایت الهی را از آن خود می‌سازند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در توصیه به این مهم می‌فرماید:

يُحِبُّ اللَّهُ الْغَامِلَ إِذَا عَمِلَ أَنْ يَحْسُنَ.^۲

خداوند دوست دارد که انسان وقتی کاری انجام می‌دهد، آن را خوب و کامل کند.



گذشت

داشتن روحیه گذشت، نشانه همت بلند و قدرت استقامت فرد است. کسانی که روحیه گذشت دارند، افزون بر اینکه می‌توانند در برابر سختی‌های روزگار استقامت کنند، بر نیروی خشم خود نیز مسلط خواهند شد. چنین افرادی این قدرت را دارند تا در مقابل بی‌ادبی، آرامش خویش را حفظ و حتی در بعضی موارد، از تقصیر دیگران چشم‌پوشی کنند. از نظر اسلام، انسان‌های با گذشت در این جهان، به ناراحتی و ناملایمات گرفتار نمی‌شوند و در آخرت نیز از لطف و محبت خاص الهی بهره‌مند خواهند شد. در حقیقت، آنان بلند همتند و خداوند به دلیل عظمت وجودی‌شان، آنان را در پناه لطف و عنایت خاص خود قرار می‌دهد. پیامبر رحمت می‌فرماید:

إِشْمَحْ يُشْمَحْ لَكَ.^۱

آسان گیر تا بر تو آسان گیرند.

ایشان در حدیث دیگری می فرماید:

خُلُقَانِ يُحِبُّهُمَا اللَّهُ... فَأَمَّا اللَّذَانِ يُحِبُّهُمَا اللَّهُ

فَالسَّخَاءُ وَ السَّمَاخَةُ.^۲

خدا، دو صفت را دوست دارد... ولی آن دو

چیزی که خدا دوست دارد، بخشش و گذشت

است.



گرددش ایام

گردش ایام

انسان خردمند، از گردش روزگار و پیشامدها و

حوادث غافل نیست و از همه آنها درس عبرت و

سازندگی می آموزد. افراد بسیاری از بهترین امکانات

مادی برخوردار بودند، ولی اینک به تکه ای نان

محتاج شده اند یا چه بسا آدم هایی که آه در بساط

نداشتند، ولی امروز صاحب مال و منال فراوانند. چه

افراد توانمندی که نعمت سلامتی و قدرت

۱. نهج الفصاحه، ش ۲۹۳. ۲. همان، ش ۱۴۵۴.

جسمانی داشتند، ولی اینک زمین گیر شده‌اند. آیا بهتر نیست انسان از آنچه در پیرامونش می‌گذرد، درس عبرت بگیرد و به قدرت جسمانی و مال و دارایی خود مغرور نشود؟

به یاد آوریم این سخن ظریف قائم مقام فراهانی را:

روزگار است این، که گه عزت دهد، گه خوار دارد
چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها، بسیار دارد
پیامبر اعظم ﷺ می‌فرماید:

كَفَى بِالذَّهْرِ وَاعِظاً وَبِالْمَوْتِ مُفَرِّقاً.^۱
چه آموزگاری است روزگار و چه جماعت
پراکنی است مرگ!

گشاده‌رویی

بسیار اتفاق می‌افتد که انسان حال مناسبی دارد، ولی در برخورد با افراد اخم‌آلود و در خود فرو رفته، حال خوش خود را از دست می‌دهد. همچنین چه بسا از

پیشامدی، اندوهگین است، ولی با افرادی که چهره‌ای بشاش و خوش‌رو دارند، روبه‌رو می‌شود و غم و غصه‌های خویش را از یاد می‌برد. در حقیقت، گشادگی چهره یا درهم کشیدن آن، به اختیار انسان است؛ با خوش‌رویی، می‌تواند توجه دیگران را به خود جلب کند و با اخم و ناراحتی، دیگران را از خود خواهد راند. پیامبر گرمی‌اسلام، گشاده‌رویی را نوعی صدقه شمرده است و می‌فرماید:

مِنَ الصَّدَقَةِ أَنْ تُسَلِّمَ عَلَى النَّاسِ وَ أَنْتَ طَلِقُ
الْوَجْهِ.^۱

از جمله صدقات این است که با گشاده‌رویی به مردم سلام کنی.

گشایش در زندگی

خداوند به هر کس به اندازه مناسب، نعمت و روزی می‌دهد و دوست دارد بنده‌ای به اندازه گشایش در زندگی، برای خود و اهل و عیالش تسهیلاتی فراهم آورد. بعضی از انسان‌ها فکر می‌کنند هرچه آدمی

ناچیزتر باشد و از امکانات مالی بهره نگیرد، رضایت الهی را بهتر به دست آورده است، در حالی که چنین اندیشه‌ای درست نیست. استفاده متعادل از زندگی متناسب با شأن آدمی، مطلوب خداوند و توصیه ائمه معصومین علیهم‌السلام است. درست است که آدمی نباید برای به دست آوردن زندگی بهتر، از عزت و آبروی خود هزینه کند و دست نیاز به سوی این و آن بگشاید، ولی وقتی خداوند، گشایشی در زندگی او ایجاد کرد و نعمتی را به او ارزانی داشت، حق استفاده از آن را دارد. در این صورت، خداوند نیز راضی‌تر است. پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ أَنْ يَرَى أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَيْهِ وَ يُبْغِضُ الْبُؤْسَ وَ التَّبَوُّسَ.^۱

هر وقت خداوند نعمتی به بنده‌ای داد، دوست دارد اثر آن نعمت را بر آن بنده ببیند و از فقر و حالت ناداری به خود گرفتن، بدش می‌آید.

گوهرهای درخشان

دست‌یابی به اهداف انسانی در پرتو داشته‌های کمالی امکان‌پذیر خواهد بود. ایمان از عواملی است که آدمی را در برابر لغزش حفظ می‌کند و همچون سپری است محکم در برابر هجوم افکار شیطانی و حصاری است که سعادت و سلامت دنیوی و اخروی را در خود جای داده است. در کنار ایمان و پرهیزگاری، علمی که بتواند برای او و دیگران ثمربخش باشد و همچنین تدبیری که وی را به نرم‌خویی فراخواند تا با دیگران به مدارا رفتار کند، بسیار ارزشمند است. اگر آدمی، پرهیزگار باشد، خود را نیز به زیور دانش بیاراید و وسیله سنجش اعمالش، عقل و تدبیر باشد، می‌تواند منشأ عمل خیر باشد. رسول گرامی اسلام نیز بر این سه گوهر ارزشمند تأکید کرده است و می‌فرماید:

ثَلَاثٌ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ لَمْ يَقُمْ لَهُ عَمَلٌ: وَرَعٌ

يَخْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ عِلْمٌ يَرُدُّ
بِهِ جَهْلَ السَّفِيهِ وَ عَقْلٌ يُذَارِي بِهِ النَّاسَ.^۱

سه چیز است که اگر در کسی نباشد، عملی از او
سر نمی‌زند: پرهیزگاری که او را از
نافرمانی‌های خداوند متعال باز دارد؛ دانشی که
با آن، نادانی آدم نادان را برطرف سازد؛ عقلی
که به وسیله آن، با مردم به مدارا رفتار کند.





لبخند

بعضی چهره‌ای گرفته و خشن دارند، به گونه‌ای که آدمی با دیدن آنان به یاد گرفتاری‌های خویش می‌افتد. بعضی نیز چهره‌ای تبسم‌آمیز و روحیه‌ای شاد دارند که دیگران با دیدن آنان، رنج و مصیبت خود را از یاد می‌برند و دوست دارند ساعت‌ها با آنان باشند. افراد خنده‌رو به سرعت در قلب دیگران، نفوذ و محبت آنان را به خود جلب می‌کنند. به گونه‌ای که انسان، ناخودآگاه احساس می‌کند سالیان درازی است با آنان آشنایی و صمیمت دارد. باری، اولیای الهی نیز همواره با چهره‌ای گشاده و شاد با مردم روبه‌رو می‌شوند که در این میان، پیامبر رحمت، زیانزد خاص و عام است. آن وجود نازنین می‌فرماید:

تَبَسُّمُكَ فِي وَجْهِ أَخِيكَ لَكَ صَدَقَةٌ^۱

لبخند تو بر روی برادرت، برای تو صدقه‌ای است.

لجاجت و ستیزه‌جویی

افراد ستیزه‌جو، انسان‌های خودخواه و بی‌گذشتی هستند که می‌کوشند با لجاجت و دشمنی با دیگران، رنج و ناراحتی درونی خویش را کاهش دهند. این در حالی است که هرچه میزان لجاجت و ستیزه‌جویی آنان بیشتر شود، فشار روحی و جسمی آنان نیز افزایش می‌یابد. برعکس، آدم‌های معتدل همواره می‌کوشند تحت تأثیر احساسات ناشی از خشم و غریزه قرار نگیرند و بی‌درنگ به ستیزه‌جویی و لجاجت نپردازند. بسیار اتفاق افتاده است که کنترل نفس و بردباری، نتیجه شیرین و خوشایندی چون مودت و دوستی به همراه داشته است و فردی که ممکن بود با یک برخورد تند و ناسنجیده، در شمار مخالفان و دشمنان انسان درآید، به یکی از دوستان و مریدان او تبدیل شده است. نه تنها افراد جامعه به انسان لجوج، بی‌اعتنا می‌شوند، بلکه خداوند نیز او را از عنایت خود محروم می‌کند.

پیامبر عطاوفت و مدارا می فرماید:

أَبْغَضُ الرِّجَالِ إِلَى اللَّهِ الْأَلَدُّ الْخَصِيمُ^۱

منفورترین مردان نزد خدا، مرد لجوج و
ستیزه جوست.





مبارزه با هوای نفس

به هر میزان که انسان خواهان امیال نفسانی باشد، به همان اندازه، از نیروی عقل و اراده فاصله می‌گیرد. آدمی به دلیل افراط در هواپرستی، سست اراده و بی‌اختیار می‌شود و همه فضایل انسانی را از دست می‌دهد. از نظر اسلام، منشأ همه گناهان، پیروی بی‌چون و چرا از هوای نفس است و پرهیزگار کسی است که از دام هوا و هوس رهیده باشد. پیامبر اعظم ﷺ، هوش‌گريزان را از شجاعان امت خویش می‌شمارد و می‌فرماید:

أَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ.^۱

شجاع‌ترین مردم کسی است که بر خواسته‌های نفسانی چیره شود.

مدارا با بدهکاران

چون برخی افراد، امکانات مالی بسیاری ندارند، ممکن است در پاره‌ای موارد، وام بگیرند، ولی از بازپرداخت آن در زمان تعیین شده، ناتوان باشند. در این حال، برخورد وام دهندگان متفاوت است. گروهی با سعه صدر و واقع‌نگری، درصدد تمدید بازپرداخت برمی‌آیند یا حتی در پاره‌ای موارد، آن را می‌بخشند که البته از پاداش فراوانی برخوردار خواهند شد. گروهی دیگر با سرسختی و لجاجت بسیار تلاش می‌کنند که به هر شکل ممکن، حتی با آبروریزی و فشار و سخت‌گیری بر بدهکار، طلب خود را باز پس بگیرند که کار بسیار نکوهیده‌ای است. به یقین، اگر کسی با بزرگواری و درک موقعیت طرف مقابل، با بدهکار مدارا کند، در پیش‌گاه خداوند روسپید خواهد بود. بر این اساس، رسول الله ﷺ می‌فرماید:

مَنْ نَفَسَ عَنْ غَرِيبِهِ أَوْ مَحَى عَنْهُ كَانَ فِي ظِلِّ

الْعَرْشِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.^۱

هر که به بدهکار خویش مهلت دهد یا قرض او را ببخشد، روز قیامت در سایه عرش الهی خواهد بود.

مدارای مشروط

تا آنجا که می توان و شریعت به ما اجازه داده، نرمش و مدارا با مردم پسندیده است. در حقوق شخصی و امور جاری، باید از لغزش دیگران چشم پوشید و با گذشت، با آنان روبه رو شد. البته مدارا با مردم آن گونه نیست که در صورت آسیب دیدن دین، حیثیت و عزت آدمی با دیگران کنار بیاوریم؛ زیرا کوتاه آمدن در این موارد، رفته رفته از ارزش و اهمیتشان می کاهد و آنها را به اموری معمولی و ابتدایی تبدیل می کند. اگر قرار باشد آدمی در برابر حق کشی یا حق گریزی، در برابر دیگران کنار بیاید، چگونه می توان دوام و قوام ارزش ها را انتظار داشت.

ارزش‌ها حساسند و واکنش مدافعانه در برابر آنها لازم و ضروری است، ولی همان‌گونه که گفته شد، در برابر چیزهای کم‌ارزش و غیراصولی نباید سخت‌گیری نشان داد؛ زیرا با گذشت می‌توان دیگران را نسبت به شخصیت خود و دستورهای اخلاقی و ظریف پیامبر گرامی اسلام متمایل ساخت. حضرت محمد ﷺ درباره نوع مدارا با مردم می‌فرماید:

رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ مُدَارَاةُ النَّاسِ فِي غَيْرِ تَرْكِ حَقٍّ. ۱

عقلانه‌ترین کارها پس از ایمان به خداوند، مدارا کردن با مردم است، به گونه‌ای که حقی ضایع نشود.

مردم آزاری

مردم آزاری در اجتماع نمودهای گوناگونی دارد. برای مثال، همسایه‌ای با بی‌مبالاتی و سر و صدای

زیاد، کارمندی با بی پاسخ گذاشتن خواسته
 ارباب رجوع، راننده‌ای با بوق‌های زدن‌های ممتد و
 بی جا و نیز دیگران با صدها کردار خلاف و دور از
 نزاکت، سبب رنجش خاطر اطرافیان می‌شوند. از آن
 بدتر وقتی است که در برابر هرگونه اعتراض، خود
 را بی گناه و حتی صاحب حق می‌دانند. آیا پسندیده
 است که آسایش و آرامش دیگران را به هم بریزیم و
 خود را بی گناه نیز بدانیم؟ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در
 نکوهش این رفتار ناپسند می‌فرماید:

كُلُّ مُؤَذِّ فِي النَّارِ^۱

هر آزارگری در دوزخ است.

مزد کارگر

بنا بر وظیفه اخلاقی و انسانی، انسان باید حق کارگر
 را با احترام به او بپردازد و حتی اگر پرداخت مزد
 بدون درخواست کارگر انجام گیرد، پسندیده‌تر
 است. بعضی افراد نه تنها پس از انجام کار، قدردانی

نمی‌کنند، بلکه با منت نهادن، حقوق کارگر را می‌پردازند که اسلام، این کار را بسیار نکوهش کرده است. همچنین بسیار شایسته است اگر کارگری بیش از مقدار کارش، تلاش کرد و کار را به خوبی به پایان رساند، مزد بیشتری به او پرداخت شود. پرداخت مزد نیز باید در زودترین وقت ممکن انجام شود. پیامبر گرامی اسلام، دست کارگران را می‌بوسید و به آنان بسیار احترام می‌گذاشت. ایشان می‌فرماید:

... أَعْطِ الْأَجِيرَ حَقَّهُ قَبْلَ أَنْ يَجُفَّ عَرَقُهُ.^۱

... پیش از اینکه عرق کارگر خشک شود، حق او را بپردازید.

مشورت

انسان در هر مرتبه از آگاهی و دانش قرار داشته باشد، هرگز از مشورت بی‌نیاز نخواهد شد. تجربه ثابت کرده است که گاهی انسان در مسائل ساده نیز

دچار اشتباه و غفلت می‌شود، در حالی که اگر با افراد آگاه و با تجربه مشورت می‌کرد، به این اشتباه دچار نمی‌شد. هنگامی که انسان با کسی مشورت می‌کند، فکر او را با فکر خود شریک می‌سازد. در حقیقت، نیروی فکری او قوی‌تر می‌شود و بدین ترتیب، از اشتباه در امان می‌ماند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توصیه به مشورت می‌فرماید:

لَا مُظَاهَرَةَ أَوْثَقُ مِنَ الْمُشَاوَرَةِ.^۱
پشتیبانی مطمئن‌تر از مشاوره نیست.

ملاحظه کاری

اخلاص و خدامحوری در انجام دادن کارها سبب موفقیت و ذخیره‌سازی پاداش آن برای جهان آخرت می‌شود. اخلاص، اکسیری است که در برخورد با کار و تلاش، آن را پربها و مانا می‌سازد و در جریده عالم ثبت می‌کند؛ همان‌گونه که ریا و خودنمایی از ارزش کار می‌کاهد و آن را مانند کف

روی آب، زودگذر و بی‌دوام می‌سازد. بنابراین، مغز کارها، اخلاص و انجام عمل برای خداوند است و باید به کارها رنگ خدایی زد تا ماندگار شود. وقتی کاری مورد رضایت الهی است، هرگز نمی‌توان آن را برای ملاحظه یا خوشامد خلق رها کرد. چگونه می‌توان رضایت مخلوق را بر رضای خدا ترجیح داد یا بر اثر شرم و حیای نکوهش شده، از انجام کاری طفره رفت. از این رو اگر کسی در جمعی است که با او هم‌عقیده نیستند یا از آنها شرم دارد، باید با صلابت به پاخیزد و کارش را بدون شرم و ملاحظه‌کاری انجام دهد.

پیامبر اعظم ﷺ فرمود:

لَا تَعْمَلْ شَيْئاً مِنَ الْخَيْرِ رِيَاءً وَلَا تَدَعُهُ حَيَاءً.^۱
هیچ کار خیری را برای ریا انجام مده و
هیچ کار نیکی را به سبب خجالت کشیدن رها
مکن.

مهمان ناخوانده

برخی مردم با آنکه از وضع مالی خوبی برخوردارند، ولی می‌کوشند بدون دعوت به خانه این و آن بروند و در این راه، چه بسا اعضای خانواده یا دوستانشان را نیز با خود همراه می‌سازند. این کار پسندیده نیست؛ زیرا صاحب‌خانه را به زحمت می‌افکنند و بی‌اطلاع میزبان، او را غافل‌گیر و در برابر مهمان ناخوانده، شرمسار می‌کنند. بنابراین، بدون هماهنگی و دعوت، به خانه کسی نرویم؛ چون این کار در هر مکتب و مرامی ناشایست و خلاف اخلاق است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ در یکی از هشدارهای شدید می‌فرماید:

مَنْ مَشَى إِلَى طَعَامٍ لَمْ يُدْعَ إِلَيْهِ فَقَدْ دَخَلَ سَارِقًا وَ خَرَجَ مُعَيَّرًا.^۱

هر که بی‌دعوت به مهمانی رود، دزد می‌رود و ننگین بیرون می‌آید.

میزان سنجش عقل

عقل چیست و عاقل کیست؟ هر کسی، عقل را بر اساس فهم و خرد خود معنی می‌کند. از این رو، ممکن است برداشت بعضی افراد، با تفسیری که پیشوایان دینی از عقل و خرد دارند، متفاوت باشد. چه بسا کسانی از نظر افراد معمولی، عاقل شمرده می‌شوند، ولی بر اساس معیارهای معصومین علیهم‌السلام در شمار افراد عاقل قرار نگیرند.

آورده‌اند: مردی نصرانی از اهل نجران به مدینه آمد. او مردی خوش بیان، باوقار و با فضیلت بود. مردم به رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گفتند: این مرد نصرانی چقدر با عقل و خرد است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پس از شنیدن این سخنان، معیار داوری برای انسان خردمند را چنین بیان فرمود:

مَنْ إِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ وَحَّدَ اللَّهَ وَ عَمِلَ بِطَاعَتِهِ.^۱

دست نگه دار! خردمند کسی است که خدا را به یگانگی بشناسد و به فرمان او عمل کند.



نزدیک‌ترینان به پیامبر اعظم ﷺ

رسول رحمت و هدایت آمد تا چراغ راه آدمیان به سوی خیر و نیک‌بختی باشد. ایشان برای رسیدن انسان به کمال و سعادت، دستورهای داده است که انسان‌ها با عمل به آنها، خود را به خلق و خوی محمدی خواهند آراست.

انسان‌ها اگر چنین کنند، در سایه لطف پیامبر قرار می‌گیرند و از آسیب‌های روز واپسین در امان می‌مانند. در این صورت، در آخرت نیز از یاران و نزدیکان آن حضرت خواهند بود. در مقابل، کسانی که دستورهای نبوی را نادیده بیانگارند و در دنیا، خود را از نبی مکرم اسلام جدا سازند، در آخرت نیز از ایشان دور خواهند بود. بنابراین، چه خوب است که با آراسته شدن به اوصاف نبوی، خود را مشمول رحمت الهی و قرین عطوفت محمدی قرار

دهیم که آن پیامبر مهرپرور می فرماید:

أَقْرَبُكُمْ مِنِّي غَدَاً فِي الْمَوْقِفِ أَصْدَقُكُمْ
لِلْحَدِيثِ وَ آدَاكُمْ لِلْأَمَانَةِ وَ أَوْفَاكُمْ بِالْعَهْدِ وَ
أَحْسَنُكُمْ خُلُقاً وَ أَقْرَبُكُمْ مِنَ النَّاسِ.^۱

نزدیک ترین شما به من در فردای قیامت، آن
کسی است که بیش از همه سخن راست بگوید،
ادای امانت کند، به پیمان وفا کند و اخلاق وی
نیکوتر و به مردم نزدیک تر باشد.



نفرتین ستم دیدگان

مظلومان، دل های پراندوه و خاطری افسرده از ستم
بیدادگران دارند و مباد که دست دعا به نفرتین بلند
کنند؛ زیرا آتش دل سوختگان، ویرانی ها به بار
می آورد و از این آتش سوزان، گریزی نیست. اصولاً
واژه ای زیباتر از عدالت وجود ندارد و این مهم، از
اهداف عالی پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام بوده
است. چگونه انسان می تواند گلبانگ عدالت را

نشنیده انگارد و به سوی ستم و تعدی ره پوید.
منادی قسط و عدل و مبارزه با جور و ستم
می فرماید:

إِتَّقُوا دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَإِنَّهَا تَصْعَدُ إِلَى السَّمَاءِ
كَأَنَّهَا شَرَارَةٌ.^۱

از نفرین ستم دیده بترسید؛ که چون شعله آتش
به آسمان می رود.



نماز

ترک نماز، بزرگ‌ترین گناه است. نماز برای تربیت و
تکامل روحی انسان‌ها واجب شده است، ولی
برخی افراد برای گریز از انجام تکلیف و پیروی از
هوای نفس یا تنبلی و کسالت، آن را انجام نمی‌دهند.
این بندگان به جای شکرگزاری به درگاه حق و
همراهی و هم‌نوایی با برگ درختان سبز و زمین و
زمان و پرندگان و خزنندگان در مدح خدای
روزی‌رسان، به بهانه‌های گوناگون از زیر بار این

مستولیت انسان ساز می‌گریزند. گاهی می‌گویند: «خداوند به نماز ما احتیاج ندارد». در پاسخ باید گفت نخستین چیزی که در قیامت از مسلمان می‌پرسند، درباره ستون دین است و برای ترک‌کنندگان نماز، عذاب دردناکی مقرر شده است. آیا شایسته است انسان به دلیل تنبلی و کسالت، در دسته ناسپاسان قرار گیرد و از به جا آوردن نماز که وظیفه بندگی است، سرباز زند؟ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الصَّلَاةُ. ۱

نخستین چیزی که از آن حساب‌رسی می‌کنند، نماز است.

نماز شب

اسلام به جز نمازهای واجب، بر ادای بعضی نمازها به دلیل آثار بسیار مهم تربیتی که در پی دارند، تأکید کرده است. در این میان، نماز شب از اهمیت

بیشتری برخوردار است. وقت این نماز، از نیمه‌های شب تا نزدیک نماز صبح است و سحرخیزان و شب زنده‌داران با راز و نیازهای شبانه خود، به حال و هوای معنوی ویژه‌ای دست می‌یابند. اینان در خلوت ربانی خود، محو دیدار معشوق حقیقی می‌شوند و جز خدا، همه چیز را به فراموشی می‌سپارند. رمز موفقیت بسیاری از علما و اولیای الهی را در ادای نافله نماز شب دانسته‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ترغیب به ادای نماز شب می‌فرماید:

مَنْ كَثُرَتْ صَلَاتُهُ بِاللَّيْلِ حَسُنَ وَجْهُهُ
بِالنَّهَارِ.^۱

هر کس در شب، نماز بسیار بخواند، در روز،
چهره‌اش نورانی می‌شود.

نماز صبح در مسجد

آن گاه که تاریکی همه جا را فرا گرفته و سکوتی سنگین بر زمین حاکم است، بندگان صالح خدا از

بستر برمی خیزند و برای به جا آوردن نماز صبح، به سوی مسجد می روند. این حرکت و خیزش به سوی مساجد، صفای خاصی دارد. در فضای سراسر ملکوتی مساجد و در این تماشاگاه راز، بندگان خاص خدا را در حالت های گوناگون می توان دید. یکی در حال رکوع، دیگری با چشمان گریان از خدا طلب عفو می کند و با او در راز و نیاز است و آن دیگر، غرق در تفکر و تعمق. چه زیباست همراه شدن با این جماعت عاشق. در آن سو می بینیم که گروهی بی خبر از عالم معنا در خوابی عمیق فرو رفته اند و به دور از این غوغای ملکوتی، تنها به این می اندیشند که پاسی از صبح گذشته از خواب برخیزند و زندگی تکراری فردا و فرداها را آغاز کنند. رسول الله ﷺ در بشارتی نیکو به سحرخیزان می فرماید:

بَشِّرِ الْمَشَّائِينَ فِي ظُلَمِ اللَّيْلِ إِلَى الْمَسَاجِدِ
بِالنُّورِ التَّامِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.^۱

به آنان که در ظلمات شب به سوی مساجد
می‌روند، بشارت بده که در روز رستاخیز،
روشنی کامل دارند.

نیکوکاری

هر کاری می‌تواند آثار مثبت یا منفی دربرداشته
باشد. خداوند بزرگ به انسان، حق انتخاب داده
است و انسان‌های شایسته کسانی هستند که راه‌های
مفید را می‌پیمایند. اینان فرصت‌های الهی را از
دست نمی‌دهند و با نیت خداپسندانه، برای رفع نیاز
خود و دیگران می‌کوشند. بر عکس، انسان‌های
ناسپاس، نعمت‌های الهی را به رایگان از دست
می‌دهند و در برخورد با نیازمندان، آنان را به تمسخر
می‌گیرند. اینان می‌گویند: «اگر خدا می‌خواست به
فقیران روزی می‌داد و به کمک ما نیازی نیست.»
این‌گونه افراد نمی‌دانند که کمک به نیازمندان، انسان
را از سقوط به پستی‌ها و حوادث ناگوار و ناگهانی
در امان نگاه می‌دارد. نیکوکاری و صدقه پنهانی و

آشکار از کارهایی است که مایه سپیدرویی انسان در جهان آخرت خواهد شد. پیامبر گرامی اسلام در توصیه به این عمل پسندیده می‌فرماید:

صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ تَقِي مَصَارِعَ الشُّوءِ.^۱

نیکوکاری، انسان را از مرگ‌های ناگوار در امان نگاه می‌دارد.





وساطت در ازدواج

در فرهنگ اسلام این کار از ارزشمندترین وساطت‌ها به شمار آمده است. البته این کار به دلیل اهمیت و حقانیتش نیازمند تجربه و دقت و امانت‌داری است. فرد میانجی باید ویژگی‌های دو طرف را به خوبی و بدون کم و کاست برای یکدیگر بیان کند و زمینه شناخت آن دو را فراهم آورد. در این صورت است که می‌تواند زمینه سعادت و آرامش دو جوان را فراهم کند و فرد میانجی را نیز به پاداش الهی برساند. از این رو، پیامبر خدا، محمد مصطفی ﷺ در این باره می‌فرماید:

مِنْ أَفْضَلِ الشَّفَاعَةِ أَنْ تَشْفَعَ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي النِّكَاحِ.^۱

از جمله بهترین وساطت‌ها این است که میان دو نفر در ازدواج، وساطت کنید.

وصیت نامه

بی شک، همه موجودات، طعم تلخ مرگ را خواهند چشید جز ذات لایزال الهی که همیشه بوده و خواهد بود. مخلوقات دیر یا زود، از این جهان فانی خواهند رفت، ولی نیاز به سفارش پس از مرگ، بسیار ضروری است تا نظام خانوادگی و روابط اجتماعی دچار مشکل نگردد. چه بسا انسان‌هایی که بدون وصیت، از این جهان رفته‌اند و پس از مرگ آنان، اختلاف‌های شدید مالی میان اعضای خانواده اتفاق افتاده است یا اشخاص بیگانه، ادعای طلب‌کاری داشته‌اند. آیا بهتر نیست انسان با نوشتن وصیت‌نامه، از رخ دادن این غایله‌ها پیش‌گیری کند و خدای نکرده زیر دین دیگران قرار نگیرد و سبب اختلاف خانواده نیز نشود. پیامبر اسلام می‌فرماید:

تَرَكُ الْوَصِيَّةَ غَارًا فِي الدُّنْيَا وَ نَارًا وَ شَتَارًا فِي الْآخِرَةِ.^۱

وصیت نکردن، مایه ننگ این جهان و مایه آتش و رسوایی آن جهان است.



هدیه

هدیه، محبت میان انسان‌ها را افزایش می‌دهد. در حقیقت، هدیه دهنده با این کار، علاقه و محبت خود را بیان می‌کند. قیمت و ارزش بالای هدیه، معیار و ملاک جلب محبت نیست؛ زیرا ممکن است هدایای غیرمادی که نشان‌دهنده حسن نیت و صداقت اهدا کننده است، بسیار کارسازتر باشد. در اسلام، نفس و اصل عمل مورد توجه است. بنابراین، تهیه هدایای گران‌بهای مادی را خردمندانه نمی‌دانند.

اصالت هر هدیه، مفید و معنوی بودن آن است و ارزش مادی آن اهمیتی ندارد. از سوی دیگر، اگر هدیه پر قیمت باشد، طرف مقابل نیز برای جبران آن گرفتار سختی و دردسر می‌شود. گاهی اوقات، تهیه هدیه‌ای هم‌سنگ هدیه آشنایان، از عهده فرد خارج است. از این رو، به ناچار از او فاصله می‌گیرد. در این حالت، هدیه نه تنها محبت را افزون نکرده، بلکه

رشته‌های مودت و دوستی پیشین را نیز از هم گسیخته است. بر این اساس، برای تقویت رشته‌های محبت باید شئون و توانایی طرف مقابل در نظر گرفته شود. پیامبرگرامی اسلام می‌فرماید:

تَهَادَوْا تَحَابُّوا.^۱

به یکدیگر هدیه دهید تا رشته‌های محبت‌تان استوار گردد.



هدیه معنوی

گاهی افرادی را می‌بینیم که وقتی سخن خوبی را می‌شنوند یا مطلب سودمندی را در کتابی می‌خوانند و آن را سودمند می‌یابند، بی‌درنگ یادداشت می‌کنند تا در زمان مقتضی، به اطلاع دوستان و آشنایان و دیگران برسانند. این کار، شیوه بسیار پسندیده‌ای است و در طول تاریخ، بسیاری از انسان‌ها، از همین راه به آگاهی‌های بسیار ارزشمندی دست یافته‌اند. چه بسا اگر این کار انجام نمی‌شد، امروز بسیاری از

دانستنی‌های ما وجود نداشت. پس بکوشیم سخنان و گفتار سودمند را به آگاهی همگان برسانیم تا با ثبات و ضبط آن در حافظه‌ها و عمل به آن، راه هدایت را بی‌ماییم. حضرت محمد ﷺ درباره هدایای کلامی می‌فرماید:

نِعْمَ الْعَطِيَّةُ كَلِمَةٌ حَقٌّ تَسْمَعُهَا ثُمَّ تَحْمِلُهَا إِلَى
أَخٍ لَكَ مُسْلِمٍ.^۱

چه نیکو عطایی است کلمه حقی که آن را می‌شنوی، سپس به برادر مسلمانان می‌رسانی.

مکتب اهل بیت علیهم السلام

هم‌نشینی با فقیران

بعضی افراد همیشه از فقیران و نیازمندان فاصله می‌گیرند تا مبادا از ایشان چیزی بخواهند یا اینکه شأن خود را از آنان بالاتر می‌دانند. این در حالی است که ارزش هر کسی با تقوای او محک زده می‌شود و چه بسا فقیری با جامه مندرس، در پیش‌گاه الهی صاحب مقام و موقعیت والا باشد.

هم‌نشینی با فقیران و رسیدگی به آنان در سیره تابناک اولیای الهی کاملاً نمایان است. آنان همواره با فقیران نشست و برخاست داشتند و کسانی را که از فقیران فاصله می‌گرفتند، به شدت نکوهش می‌کردند. پیامبر عظیم‌الشان اسلام درباره دوستی با فقیران می‌فرماید:

إِتَّخِذُوا عِنْدَ الْفُقَرَاءِ أَيْدِيَ فَإِنَّ لَهُمْ دَوْلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ.^۱

با فقیران دوستی کنید؛ زیرا آنان در روز قیامت، منزلت بزرگی دارند.

هم‌نشینی با نیکان

انسان همیشه نیازمند آموختن مسائل اخلاقی و تربیتی است تا راه کمال و پویایی را در پیش گیرد. یکی از راه‌هایی که آدمی را در پیمودن نردبان قرب و تهذیب نفس یاری می‌کند، هم‌نشینی با خوبان است. نیکان کسانی هستند که فضایل و تجربه کافی دارند

و انسان با خیال آسوده می تواند به آنان اعتماد کند؛
از گفتار و رفتارشان، توشه سفر، فراهم آورد و روح
و روان خویش را پالایش کند. آن گاه هم چون
فرشته ای سبک بال، با عطر صفا و محبت، پروازی
دل نشین را بیازماید و از لذت علم و عمل بهره مند
شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره معاشرت با نیک منشان
می فرماید:

جَالِسُوا الْكُبَرَاءَ وَ سَائِلُوا الْعُلَمَاءَ وَ خَالِطُوا
الْحُكَمَاءَ.^۱

با بزرگان هم نشین شوید، از دانشمندان بپرسید
و با حکیمان ارتباط داشته باشید.



یادداشت دانستنی‌ها

یکی از بهترین کارها این است که انسان، آموخته‌های خود را یادداشت کند. بعضی افراد به این مسئله توجهی ندارند و فکر می‌کنند که می‌توانند آن آموخته‌ها را در حافظه خود نگه‌داری کنند، ولی به تدریج، معلومات خود را به فراموشی می‌سپارند. همه انسان‌ها ذهن قدرت‌مندی چون ابن‌سیناها ندارند و مانند ماشین حساب و رایانه نیز نیستند که اگر چنین هم بود به دلیل اختلال و نقص، همه حافظه خود را از دست می‌دادند. انسان برای نگه‌داری آموخته‌های خود به ناچار باید آنها را ثبت و ضبط کند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نیز به این امر توجه کرده و فرموده است:

قَيِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابِ.^۱

دانش را با نوشتن ثبت کنید.

یاد کرد نیکی مردگان

چون انسان معصوم نیست، خواه ناخواه در طول زندگی مرتکب اشتباه و خطا می‌شود. پس همه در پرونده کار خود، رفتار نیک و بد دارند. با این حال شایسته است پس از درگذشت آنان، رفتارهای خوبشان را بازگو کنیم و از بدی‌های آنان سخنی نگوییم؛ زیرا:

۱. شاید خداوند، وی را به دلیل کارهای نیکش، آمرزیده باشد.

۲. اینک او درگذشته است و زنده نیست تا از خود دفاع می‌کند.

۳. این کار، بازماندگانش را بسیار ناراحت می‌کند.

۴. در آموزه‌های اسلامی آمده است که از درگذشتگان به نیکی یاد کنیم.

پیامبر و ارسته اسلام می‌فرماید:

أَذْكُرُوا مُحَاسِنَ مَوْتَاكُمْ وَكُفُّوا عَن مَّسَاوِيهِمْ.^۱
نیکی‌های مردگانتان را یاد کنید و از بدی‌هایشان چشم‌پوشید.



کتابنامه

۱. اصفهانی، رضا، اخلاق برای همه (جلد ۱)، تهران، مؤسسه اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
۲. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، انتشارات جاویدان.
۳. حرانی، ابومحمد حسن، تحف العقول، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۷۶ ه.ق.
۴. حکیم، سید محمد تقی، پیام پیامبر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
۵. سجادی، محمد صادق و مرتضی فرید، اخلاق از دیدگاه قرآن و عترت، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۶۸.
۶. صالحی، عبدالله، زندگی و سخنان چهارده معصوم علیهم السلام، قم، دارالنشر، چاپ سوم، ۱۳۷۰.
۷. صبحی، صالح، نهج البلاغه، بیروت، چاپ اول،

۱۳۸۷ ه.ق.

۸. صدوق، خصال، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه.ق.

۹. طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۹۲ ه.ق.

۱۰. فیض کاشانی، ملا محسن، المحجة البيضاء، تهران، چاپخانه حیدری، ۱۳۴۰.

۱۱. _____، وافی، اصفهان، ۱۳۲۴ ه.ق.

۱۲. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، تهران، چاپ افست مروی، بی تا.

۱۳. کلینی، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ه.ق.

۱۴. متقی هندی، کنز العمال، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۰۹ ه.ق.

۱۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه.ق.

۱۶. محصل، سید عبدالوهاب، سعدی در گلستان حدیث

آل محمد ﷺ، قم، انتشارات محصل، چاپ اول،
۱۳۸۱ هـ.

۱۷. مفید، الارشاد، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷
هـ.ق.

۱۸. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم،
مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ هـ.ق.



پرسشی نامه

۱- از نگاه پیامبر گرامی اسلام بدترین مردم از نظر مقام در قیامت

الف) کسی است که دنیای خود را برای آخرت دیگران بفروشد

ب) کسی است که به فکر دنیا و آخرت دیگران باشد

ج) کسی است که آخرت خود را برای دنیای دیگران بفروشد

۲- بنابر فرمایش رسول خدا ﷺ باید با چه کسی هم نشین نشد؟

الف) دروغگو

ب) کسی که تو را هم سنگ خود نمی داند

ج) هر دو مورد

۳- هر کس که در حالی که گریان است، وارد آتش می شود

الف) اهل ریا باشد

ب) به دیگران ستم کند

ج) گناه کند و خندان باشد

۴- پیامبر اسلام ﷺ چه چیزی را غم شب و ذلت روز می‌داند؟

الف) تقاضا کردن از دیگران

ب) قرض کردن

ج) هر دو مورد

۵- بهترین کارها نزد خداوند سه کار است؛

الف) انجام واجبات، دوری از گناهان، قناعت به داده خدا

ب) دوری از گناهان، دوستی اهل بیت، راست گویی

ج) راست گویی، احترام به والدین، وفای به عهد

۶- خوارترین مردم کسی است که

الف) با مردم صداقت نداشته باشد

ب) به مردم اهانت کند

ج) وقتی به آنان وعده می‌دهد، وفای به وعده نکند

۷- طبق فرموده پیامبر اسلام چه کسانی بخشیده نخواهند شد؟

الف) کسانی که به وعده وفا نمی‌کنند

ب) کسانی که آبروی دیگران را می‌ریزند

ج) کسانی که به گناه تظاهر می‌کنند

۸- رسول خداوند ﷺ چه چیزی را مایه خوشبختی انسان دانسته‌اند؟

الف) داشتن همسر متدین
 ب) اعتماد کردن مردم به انسان در کار دین و دنیا
 ج) داشتنی فرزند صالح و همسری شایسته
 ۹- پیامبر گرامی اسلام چه چیزی را بهترین صدقه برشمرده است؟

الف) آشتی دادن میان دو نفر
 ب) قرض دادن به نیازمند پیش از درخواست
 ج) نیکی به والدین
 ۱۰- داناترین فرد کسی است که

الف) علم دیگران را بر علم خود بیافزاید
 ب) چیزی را که نمی‌داند از اهلش بپرسد
 ج) به دانش خود عمل کند
 ۱۱- بنابر فرمایش پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله غافل‌ترین مردم کسی است که

الف) در فکر محاسبه از نفس خویش نباشد
 ب) در کارهای مهم از مشورت با اهل نظر غفلت ورزد

ج) از تحولات و رویدادهای دنیا پند نگیرد
 ۱۲- شرف مؤمن در و عزت وی در است

الف) راست‌گویی - بی‌نیازی از مردم
 ب) بی‌نیازی از مردم - قناعت ورزی
 ج) شب زنده داری - بی‌نیازی از مردم

۱۳- وارد بهشت نمی‌شود

الف) کسی که نماز را سبک بشمارد

ب) کسی که قطع رحم کند

ج) کسی که به وعده‌اش وفا نکند

۱۴- یکی از رمزهای اجابت دعا است

الف) عافیت خواستن برای دیگران

ب) سرعت در کار خیر

ج) هر دو مورد

۱۵- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بی‌نیازی از مردم را سبب چه چیزی می‌داند؟

الف) عزت نفس

ب) قناعت

ج) بالا رفتن درجه نزد خداوند متعال

۱۶- طبق فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله از ما نیست کسی که

الف) دروغ بگوید

ب) نماز را اول وقت نخواند

ج) با مسلمانان از در مکر و خدعه در آید

۱۷- روزگار است این، که گه عزت دهد، گه خوار دارد

چرخ بازیگر از این باز بچه‌ها بسیار دارد

این عبارت منسوب به چه کسی است؟

الف) بزرگمهر

ب) قائم مقام فراهانی

ج) امیر کبیر

۱۸- از جمله صدقات به حساب می‌آید:

الف) گشاده‌رویی با مردم

ب) سلام کردن به دیگران

ج) هر دو مورد

۱۹- نزدیک‌ترین افراد به پیامبر گرامی در روز قیامت:

الف) کسی که بیش از دیگران راست بگوید

ب) کسی که به پیمان وفا کند

ج) هر دو مورد

۲۰- انسان را از مرگ ناگوار در امان نگه می‌دارد؟

الف) نیکوکاری

ب) صدقه

ج) قرض

۲۱- کدام مورد صیقل دهنده دل‌هاست؟

الف) یاد خداوند

ب) یاد مرگ

ج) نمازگزاری

۲۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برترین دستور دین دانسته است

الف) وفای به عهد

ب) پارسایی

ج) احترام به والدین

۲۳- چه چیزی نشانه گمراهی افراد شمرده شده است؟

الف) سؤال نکردن هنگام ندانستن

ب) با دانایان نشست و برخاست نکردن

ج) مغرور بودن به رأی و نظر خویش

۲۴- این سخن پیامبر ﷺ: «همانا فقری سخت‌تر از نادانی نیست» خطاب به چه کسی گفته شده است؟

الف) سلمان فارسی

ب) امام علی علیه السلام

ج) ابن مسعود

۲۵- مانع روزی است

الف) خواب صبحگاهی

ب) کفران نعمت

ج) توجه نکردن به حلال

